



Spatial preferences of the creative class as driving forces to development in metropolitan Areas; Case study of Tehran metropolis

Saeidi, M^a., Nedaei tousi, S^{b,1}

^a MSc of Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

^b Assistant Professor of Urban & Regional Planning & Design, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Research Article

ABSTRACT

Objective: In the era of globalization and competitiveness of urban centers, the creative class is considered as one of the main driving forces of growth and development of metropolises. In this regard, attracting and retaining this elusive social group, by identifying and satisfying their spatial preferences, has been included in the spatial development planning agendas of cities and metropolises. Therefore, the purpose of this study is to (1) explain the relationship between the creative class as driving forces and spatial growth and development as an achievement, and (2) to identify the various spatial preferences of creative classes in the metropolitan area of Tehran by residential, leisure, activity and communication needs.

Methods: This research is methodologically in the category of combined research (qualitative and quantitative) based on the analysis of objects based on official statistics and the analysis of mentalities by different creative groups; In collecting information, the methods of documentary analysis, statistics and social surveys using interviews and questionnaires have been used, as well as in the classification of creative groups, the method of scenario writing has been used with the help of scenario wizard software.

Results: The results show that the creative class is considered as the driving force of growth and development of Tehran metropolis. The high correlation between the share of creative manpower and value-added output confirms this claim. Also, the performed analyzes make it possible to distinguish four distinct groups of naturalist, urbanist, knowledge and art in terms of differences in the activity characteristics and spatial preferences of the creative class.

Conclusion: Planning for the recruitment and retention of the creative class in the metropolis of Tehran requires identifying the differences, features and distinct spatial preferences of each of these groups. Based on this, their spatial-activity preferences were identified and presented in the form of solutions.

Keywords: Creativity and Innovation, Creative Class, Urban Growth and Development, Spatial Preferences, Tehran Metropolis.

Received: May 19, 2020 Reviewed: August 26, 2020 Accepted: November 04, 2020 Published online: March 21, 2021

Citation: Saeidi, M., Nedaei tousi, S (2021). *Spatial preferences of the creative class as driving forces to development in metropolitan Areas; Case study of Tehran metropolis*. Journal of Urban Social Geography, 8(1), 193-220. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2039](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2039)

¹ Corresponding author at: Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, P.C: 1983969411. E-mail address: s.n.tousi@gmail.com (Nedaei tousi, S).



ترجیحات فضایی طبقه خلاق به‌مثابه پیشران توسعه کلان‌شهرها؛ مورد پژوهی کلانشهر تهران

مینا سعیدی^a، سحر ندائی طوسی^b و^۱

^a کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
^b استادیار گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین موضوع: در عصر جهانی‌شدن و رقابت‌پذیری مراکز شهری، طبقه خلاق به‌مثابه یکی از پیشران‌های اصلی رشد و توسعه کلان‌شهرها به حساب می‌آید. در این رابطه جذب و نگهداشت این گروه اجتماعی گریزپا، از طریق شناسایی و برآوردن ترجیحات فضایی ایشان، در دستور کارهای برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهرها و کلان‌شهرها قرار گرفته است. بر این اساس هدف پژوهش پیش‌رو به تبیین رابطه میان طبقه خلاق به‌مثابه پیشران و رشد و توسعه فضایی به‌مثابه دستاورد و نیز شناسایی ترجیحات فضایی متنوع طبقات خلاق کلان‌شهر تهران به تفکیک نیازهای سکونتی، فراغتی، فعالیتی و ارتباطاتی اختصاص یافته است.

روش: این پژوهش از لحاظ روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) مبتنی بر تحلیل عینیت‌ها به استناد آمارهای رسمی و تحلیل ذهنیت‌ها به تفکیک گروه‌های مختلف خلاق قرار دارد؛ در گردآوری اطلاعات از روش‌های تحلیل‌های اسنادی، آماری و پیمایش‌های اجتماعی به شیوه مصاحبه و پرسش‌نامه و نیز در طبقه‌بندی گروه‌های خلاق از روش سناریونگاری به یاری نرم‌افزار سناریو ویزارد استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طبقه خلاق به‌مثابه نیروی پیشران رشد و توسعه کلان‌شهر تهران به‌شمار می‌روند. هم‌بستگی بالای میان سهم نیروی انسانی خلاق با برون‌داد ارزش‌افزوده مؤیدی بر این ادعاست. همچنین، تحلیل‌های انجام شده امکان تشخیص چهار گروه متمایز طبیعت‌گرا، شهرگرا، دانشی و هنری برحسب تفاوت در ویژگی‌های فعالیتی و ترجیحات فضایی طبقه خلاق را میسر می‌سازد.

نتایج: برنامه‌ریزی جذب و نگهداشت طبقه خلاق در کلان‌شهر تهران مستلزم شناسایی تفاوت‌ها، ویژگی‌ها و ترجیحات فضایی متمایز هر یک از این گروه‌ها است. بر این اساس ترجیحات فضایی - فعالیتی ایشان شناسایی و در قالب راهکارهایی نیز ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت و نوآوری، طبقه خلاق، رشد و توسعه شهری، ترجیحات فضایی، کلانشهر تهران.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱
استناد: سعیدی، مینا؛ ندائی طوسی، سحر (۱۴۰۰). *ترجیحات فضایی طبقه خلاق به‌مثابه پیشران توسعه کلان‌شهرها؛ مورد پژوهی کلانشهر تهران*. دوفصلنامه جغرافیای شهری، ۸ (۱)، ۲۲۰-۱۹۳.

DOI: [10.22103/IJUSG.2021.2039](https://doi.org/10.22103/IJUSG.2021.2039)

مقدمه

بر اساس نظریه سرمایه انسانی پکر (۱۹۶۲) و لوکاس (۱۹۸۸)، که قبل تر توسط آدام اسمیت در قرن هجدهم مطرح و بعدها توسط افراد دیگری نیز توسعه یافت، نیروی انسانی آموزش یافته و تحصیل کرده شرط اساسی در ارتقاء بهره‌وری و رشد ارزش افزوده اقتصادی به شمار می‌رود. تأکید بر نقش نیروی انسانی در نظریه رشد درونزای پاول رومر نیز پیگیری شد. از این دیدگاه رشد اقتصادی اساساً حاصل نیروهای درونی و نه بیرونی است، و این نیروها از سرمایه‌گذاری در زمینه نیروی انسانی، نوآوری، دانش و خلاقیت درونی ناشی می‌شوند. در این رابطه مفاهیمی همچون طبقه خلاق، شهر خلاق و صنایع خلاق مطرح شد. پیشینه مفهوم طبقه خلاق، به‌مثابه نوعی از انواع سرمایه‌های انسانی، به انگاشت «کشور خلاق» در استرالیا باز می‌گردد که در پاسخ به چالش‌های پیش‌روی نوآوری در فناوری اطلاعات مطرح شد. پس از طرح اصطلاح «صنایع یا فعالیت‌های خلاق» در سال ۱۹۹۷ و در انگلستان کارگاه‌های صنایع خلاق شکل گرفتند. با معرفی مفهوم طبقه خلاق توسط ریچارد فلوریدا در سال ۲۰۰۲، جنبش خلاقیت با تأکید بر این مفهوم فراگیر شد. مفاهیم نسبتاً نوینی همچون «طبقه خلاق» (Florida, 2002: 2005) و «شهر خلاق» (Landry, 2008) تأثیر بسیاری بر اندیشمندان و نظریه‌پردازان جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری برجای گذاشته و به‌مثابه الگویی هنجارین و مدل جدیدی از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته است؛ با این نیت که این طبقه جدید اجتماعی و اقتصادی محرک و پیش‌ران اصلی رشد و توسعه اقتصادی شهرها و مناطق در عصر رقابت‌پذیری قلمرویی خواهد شد.

بر اساس مقدمه پیش گفته، واضح است که گفتمان خلاقیت متون امروزین توسعه فضایی شهر و منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است، ولی از دیدگاه افرادی همچون سووالا (Suwala, 2012)، هنوز در مورد موضوعاتی مانند ماهیت فردی طبقه خلاق و ترجیحات فضایی و مکانی ایشان دانش کافی وجود ندارد. شاید زمانی نظریه‌های مکانی مربوط به ترجیحات فضایی بنگاه‌های اقتصادی موضوع اصلی جغرافیای اقتصادی را تشکیل می‌داد، اما امروزه موضوع فضا و خلاقیت و به عبارتی جغرافیای خلاقیت جنبه‌ای نو از موضوعات مربوط به جغرافیای توسعه اقتصادی را نمایش می‌دهد. در این رابطه افرادی همانند فلوریدا (۲۰۰۲) در کتاب «ظهور طبقه خلاق» و یا تورنویست (۲۰۱۲) در کتاب جغرافیای خلاقیت به شناسایی ترجیحات مکانی این گروه پرداخته و دلایل تجمع طبقه خلاق را در برخی مناطق مورد بررسی قرار داده است. کوشش‌های این افراد به طور عام به نقش طبقه خلاق در رشد و توسعه شهرها بازمی‌گردد؛ ولی ترجیحات فضایی شناسایی شده به تفکیک نیازهای سکونت، فعالیت، ارتباطاتی و فراغتی تنها در بستر شهرهای غربی همانند سان‌فرانسیسکو، لندن و برلین دارای مصداق بوده و معتبر است؛ شهرهایی که از مدت‌ها پیش تلاش خود را به‌منظور جذب و نگهداشت طبقه خلاق به کمک برنامه‌ریزی شهری آغاز کرده‌اند. با این مقدمه، ضرورت تبیین مفهوم طبقه خلاق و ترجیحات فضایی ایشان متناسب با شرایط زمینه‌ای ایران خردمایه پژوهش پیش رو را تشکیل می‌دهد.

کلان‌شهر تهران، به‌عنوان بزرگ‌ترین مادرشهر ایران و سی و چهارمین شهر پرجمعیت جهان، که حدود ۲۳۰ سال سابقه پایتختی را به همراه حضور مهم‌ترین دانشمندان، هنرمندان و افراد برجسته، دانشگاه‌های شناخته شده و معتبر و شمار بالای تحصیل‌کردگان در سطوح عالی آموزشی داراست، از بستر مناسبی برای حفظ و جذب طبقه خلاق برخوردار است. با وجود تمامی پتانسیل‌ها و قابلیت‌های موجود در زمینه جذب و پرورش طبقه خلاق و نیز تأکید اسناد و برنامه‌های فرادست، همانند سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، برنامه‌های معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و ایجاد شبکه نوآوری تهران، سند راهبردی چشم‌انداز تهران ۱۴۰۴، تهران نتوانسته است در زمینه جذب طبقه خلاق چندان موفق عمل کند. تهران گستره وسیعی از امکانات و خدمات را در خود جای داده است که آن را از دیگر شهرهای کشور متمایز کرده است. از طرفی دیگر خروج نیروهای خلاق از تهران و کشور ضرورت توجه به نقش طبقه خلاق به‌مثابه ابزار و نیروی پیش‌ران تبدیل تهران به شهری خلاق و رقابت‌پذیر را برجسته می‌نماید. به استناد آمارهای ارائه شده ذیل معیار پرواز نیروی

انسانی و مهاجرت نخبگان در شاخص جهانی وضعیت شکننده^۱، که توسط صندوق صلح (FFP^۲) ارائه می‌شود، ایران با ۱۳ پله سقوط در قیاس با سال ۲۰۰۷ میلادی در سال ۲۰۲۰ از میان ۱۷۸ کشور هدف رتبه ۴۴ را کسب کرده است. بدین معنا که ۴۴ امین کشوری است که در آن فرار مغزها بیش از سایر کشورها به وقوع می‌پیوندد. بنا به گزارش ارائه شده، این پدیده به مهاجرت داوطلبانه طبقه متوسط جامعه شامل کارآفرینان، نیروی کار ماهر و افراد خلاق، که بخش بهره‌ور اقتصاد جوامع به شمار می‌روند، اشاره دارد. امید به دستیابی به فرصت‌های بهتر زیست و معیشت در کشوری دیگر، حرفه‌مندان و نخبگان را ناچار به ترک وطن می‌کند. گرچه عوامل سیاسی و اجتماعی بر این پدیده اثر گذارند، اما نمی‌توان نسبت به ریشه‌های فضایی-کالبدی و مباحث مربوط به کیفیت زندگی مبدا نیز بی‌تفاوت بود. در این پژوهش صرفاً به ریشه‌های فضایی آن‌ها به‌منظور نگهداشت این گروه، که محرک اصلی توسعه رقابت‌پذیر سرزمین‌ها هستند، پرداخته شده است.

در این رابطه دو پرسش اصلی زمینه پژوهش پیش رو را شکل داده‌اند: نخست، پتانسیل‌ها و پویایی‌های جذب و نگهداشت طبقه خلاق به‌مثابه یکی از پیشران‌های اصلی توسعه مناطق شهری با تأکید بر موردپژوهی چیست؟ و دوم این که در راستای برنامه‌ریزی جذب و نگهداشت این طبقه، ترجیحات فضایی، مشکلات، محدودیت‌ها و امکانات کلان‌شهر تهران کدام است؟ بر اساس این دو پرسش هدف اصلی پژوهش به تبیین نقش طبقه خلاق به‌مثابه پیشران توسعه مناطق شهری و شناسایی ترجیحات فضایی (جغرافیای خلاقیت) مؤثر جهت حفظ، جذب و نگهداشت طبقه خلاق اختصاص یافته است. در راستای دستیابی به این هدف روش‌شناسی پژوهش از نوع ترکیبی و مبتنی بر روش پیمایش اجتماعی و تحلیل‌های آماری انتخاب شده است. طبقه خلاق ساکن در کلان‌شهر تهران جامعه مورد مطالعه این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

پیشینه نظری

هدف از مرور پیشینه نظری استنتاج مؤلفه‌های مدل مفهومی پژوهش از طریق گزینش معتبرترین معیارها و شاخص‌هاست. انگاشت خلاقیت در مبانی نظری و متون مربوط به برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهر در سه عرصه موضوعی مجزای مکان یا شهر خلاق به‌مثابه بستر ظهور خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی، نیروی انسانی خلاق به‌مثابه محرک و موتور توسعه اقتصاد رقابت‌پذیر در عصر جهانی‌سازی و در نهایت نوآوری، کارآفرینی و خلاقیت به‌مثابه یکی از مشخصه‌های اصلی اقتصاد رقابت‌پذیر در عصر جهانی‌شدن مطرح شده است (شکل ۱). در این پژوهش صرفاً موضوع نیروی انسانی خلاق و به عبارتی سرمایه‌های خلاق به‌عنوان یکی از اشکال سرمایه‌های انسانی و موتور محرک نوآوری مدنظر قرار دارد.



شکل ۱- عرصه‌های موضوعی خلاقیت و محدوده مطالعه پژوهش پیش رو

1. Fragile states index

2. The Fund for Peace (FFP)

نظریه‌های پشتیبان؛ مباحث مربوط به خلاقیت از اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد گفتمان‌های برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهر شد و از اواسط دهه ۱۹۹۰ به طور متداول به کار گرفته شد. پس از معرفی ایده طبقه خلاق توسط ریچارد فلوریدا در سال ۲۰۰۲ در کتاب «ظهور طبقه خلاق»، موضوع خلاقیت در برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهر به شکل گسترده‌ای ارتقاء پیدا کرد. نظریه‌های پایه خلاقیت شامل نظریه برنامه‌ریزی شهر خلاق در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط چارلز لندری در بریتانیا و در پاسخ به روندهای در حال ظهور شکل گرفت و نظریه جذب گروه خلاق توسط ریچارد فلوریدا در اواخر دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده مطرح شد (Florida, 2005: 20., Landry, 2008). از دیدگاه پژوهش مقاله، نظریه فلوریدا متأثر از دیدگاه‌های نظری و شناختی پشتیبان همچون نظریه رشد نوین پاول رومر، نظریه سرمایه انسانی رابرت لوکاس و نظریه اقتصاد فرهنگی - شناختی آلن اسکات است، که هر یک به بررسی ارتباط سرمایه انسانی و دانش در رشد منطقه‌ای می‌پردازند و به نحوی بر نظریه طبقه خلاق اثرگذار بوده و موجب پرورش این نظریه شده‌اند.

رابرت لوکاس در سال ۱۹۸۸ و بر پایه نظریه رشد اقتصادی رابرت سولو و ادوارد دنیسون مدلی از رشد ارائه کرد که در آن، سرمایه انسانی از طریق بهبود بهره‌وری عامل رشد به شمار می‌رفت (Lucas, 1988). ادوارد گلاوسر اقتصاددان نیز همچون رابرت لوکاس کلید رقابت‌پذیری منطقه‌ای را در توانایی جذب نیروی متخصص یا سرمایه انسانی به‌منظور تولید ایده و اندیشه می‌داند. همین امر باعث ایجاد آثار بیرونی مثبتی می‌شود که «سرمایه‌های بیرونی انسانی» نامیده می‌شود. مفهوم سرمایه انسانی مدنظر لوکاس کاملاً با مفاهیم مشابه پیشین خود که مبتنی بر معیارهایی همچون سال‌های تحصیل و آموزش در زمینه شغلی است متفاوت است. فلوریدا متأثر از نظریه لوکاس، که در مدل پیشنهادی خود به رابطه میان سهم بالای سرمایه انسانی و رشد و توسعه اشاره می‌کند، در نظریه طبقه خلاق خود به وجود رابطه‌ای قوی میان افراد خلاق در یک شهر یا منطقه و رشد و توسعه آن منطقه می‌پردازد.

یکی دیگر از مدل‌های رشد ارائه شده، مدل رشد نوین است که توسط پاول رومر (۱۹۹۰)، از پیشگامان نظریه رشد درون‌زا، ارائه شده است. رومر مدل خود را در سال ۱۹۸۶ در مقاله‌ای که برای مجله اقتصاد سیاسی نوشته بود منتشر کرد. بر اساس نظریه رشد درون‌زا حضور و تجمع افراد متخصص دارای تحصیلات عالی تجمعی از سرمایه‌های انسانی و دانشی را در شهرها شکل می‌دهد که این افراد از طریق تعاملات عمیق دانشی سرریزهای دانشی را سبب شده و از این طریق به ارتقای دانش خود و یکدیگر می‌پردازند. نظریه رشد رومر با عنوان نظریه نوین رشد (Romer, 1994) بر ارتباط میان دانش، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی مبتنی است. مدل سرمایه انسانی رومر، سرمایه انسانی را به‌مثابه یکی از عوامل تولید و «مهارتی» می‌داند که به‌نوعی رقابتی و از ویژگی‌های شخصی هر فرد است (Leeuwen, 2007: 154). آلن اسکات نیز نظریه اقتصاد فرهنگی شهرها را در سال ۱۹۹۷ مطرح کرد. وی در این نظریه شهر را به‌مثابه مراکز فعالیت فرهنگی و اقتصادی برخوردار از قابلیت بالای تولید فرهنگ و هنر، ایده‌ها، سبک و نگرش‌ها می‌داند که در نهایت منجر به ایجاد نوآوری و رشد اقتصادی در سطح بالا می‌شود (Scott, 2000). بر اساس مدل دوایر هم‌مرکز صنایع فرهنگی تروسبای (Throsby, 2008: 1994)، صنایع فرهنگی مشتمل بر «هنرهای خلاق کلیدی» شامل ادبیات، موسیقی، هنرهای تجسمی و هنرهای دیداری، «سایر فعالیت‌های خلاق کلیدی» همانند فیلم، موزه‌ها و گالری و عکاسی موسیقی، «فعالیت‌های فرهنگی گسترده‌تر» شامل میراث‌فرهنگی، چاپ و نشر، رسانه، بازی‌های رایانه‌ای و در نهایت «فعالیت‌های وابسته و مرتبط» مانند تبلیغات، معماری، طراحی و مد است. طبقه‌بندی و تعریف فلوریدا از طبقه خلاق و مفاهیم مرتبط با آن، همچون صنایع فرهنگی و خلاق به‌مثابه مفصل ارتباط‌دهنده حوزه اقتصاد و فرهنگ از این نظریه کم‌وبیش متأثر بوده است.

متأثر از دیدگاه‌های پیش‌گفته، فلوریدا (۲۰۰۲، ۲۰۰۵) طبقه خلاق را به دلیل کارآفرینی، نوآوری، بهره‌وری بالا، تولیدات فرهنگی و اشتغال‌زایی عامل توسعه و رشد منطقه‌ای می‌داند. تا جایی که، آینده اقتصادی شهرها را وابسته به

توانایی آن‌ها در جذب افراد خلاق می‌داند و بر ضرورت هدایت مسیر سیاست‌گذاری شهری به سوی جذاب کردن شهرها برای کسانی که در مشاغل خلاق فعالیت می‌کنند تأکید می‌کند (Boren & Young, 2013: 195). با این حال، پرسش اساسی این است که چرا برخی از مناطق در تولید، جذب و نگهداشت افراد خلاق موفق‌تر عمل کرده‌اند. تاکنون، عمده توجه و تأکید اقتصاددانان و جغرافی‌دانان اقتصادی و فضایی بر چگونگی تصمیم‌گیری شرکت‌ها درباره مکان استقرار خود بوده است و عملاً افراد را نادیده گرفته‌اند (Florida, 2005: 33). برخلاف پژوهش‌های گوناگون صورت گرفته در رابطه با موضوع طبقه خلاق، مطالعات کمی درباره بررسی راهکارهای جذب این افراد صورت گرفته است.

ترجیحات فضایی طبقه خلاق؛ بررسی متون قدیمی‌تر نشان می‌دهد که مکان‌ها به دو طریق، یعنی به واسطه مشاغل و فرصت‌های اقتصادی، سرمایه انسانی و افراد مستعد را جذب می‌کنند. پژوهش‌های اخیر مورد دیگری را نشان می‌دهد و آن این است که مکان‌ها، مردم را از طریق ارائه گستره وسیعی از امکانات رفاهی زندگی جذب می‌کنند (Florida, 2005: 90)؛ بنابراین برای رقابت در جذب افراد مستعد و خلاق، شهرها باید خود را مطابق ترجیحات فضایی طبقه خلاق بازسازی کنند. پژوهشگران بسیاری دسته‌بندی‌های مختلفی برای این ترجیحات ارائه کرده‌اند؛ از جمله عوامل کلاسیک و غیر کلاسیک و عوامل سخت و نرم (Bereitschaft, 2016)، کیفیت مکان (Florida, 2002) و غیره. در این میان، فلوریدا به تفصیل درباره عوامل مؤثر بر انتخاب مکان افراد خلاق مطالعه کرده است. بنا به دیدگاه‌های ریچارد فلوریدا، تصمیمات مکانی افراد عموماً با سه متغیر اصلی فناوری، استعداد و مدارا مرتبط است. در این میان، متغیر سوم (مدارا) منحصراً توسط ریچارد فلوریدا به دو متغیر پیشین اضافه شده و عامل تعیین‌کننده جذابیت محیط برای طبقه خلاق است. شاید بتوان اهمیت این عامل در جذب طبقه خلاق را این‌گونه بیان کرد: نخست؛ افراد مستعد معمولاً جذب مناطق پذیرا و با ظرفیت تحمل بالا می‌شوند که در آن مردم با هر پیشینه نژادی، قومی و تمایلاتی می‌توانند به راحتی زندگی کنند. دوم؛ طبقه خلاق تمایل دارد تا به فعالیت‌های جذاب و چالش‌برانگیز دسترسی داشته باشد. به عبارت دیگر، آن‌ها به زندگی در مکان‌های جذاب و هدفمند تمایل دارند.

انتقادات وارد شده بر نظریه طبقه خلاق به مثابه عامل رقابت‌پذیری شهری؛ گرچه از زمان انتشار کتاب فلوریدا (۲۰۰۲) مفهوم طبقه خلاق مورد توجه بسیاری از آکادمیسین‌ها و پژوهشگران قرار داشته است، اما با این وجود همواره با انتقادات زیادی نیز روبه‌رو بوده است. یکی از انتقادات وارد بر نظریه طبقه خلاق به شباهت آن با نظریه سرمایه انسانی گلاوسر باز می‌گردد. اما در رد این انتقاد طرح دیدگاه گلاوسر خالی از فایده نیست. و آن این است که نظریه طبقه خلاق، فلوریدا رشد منطقه‌ای را ناشی از وجود طبقه خلاق می‌داند ولی از نظر گلاوسر وجود نیروی کار تحصیل کرده است که منجر به رشد منطقه‌ای می‌شود. مارکوسن (Markusen, 2006) از دیگر منتقدین بر این باور است که فلوریدا خلاقیت را به گروه‌های شغلی مشخصی محدود می‌کند. حال آن‌که خلاقیت در معنی دارای ابهام است. بنابراین محدود کردن خلاقیت به آمار و داده‌های آماری را مناسب نمی‌داند. به نوعی می‌توان با نظر مارکوسن در رابطه با اینکه خلاقیت محدود به گروه‌های شغلی خاص نیست هم‌عقیده بود. زیرا ممکن است تعمیرکاران، نجاران و بسیاری دیگر همانند افراد تحصیل کرده خلاق باشند و یا حتی برخی از افرادی که مطابق طبقه‌بندی فلوریدا در مشاغل خلاق اشتغال دارند دستاوردهای مدنظر را برای رقابت‌پذیری شهری نداشته باشند. انتقاد بعدی به تعریف طبقه خلاق بازمی‌گردد. بونجه و همکاران (Bontje & Mustard, 2009) بر این باورند که فلوریدا خلاقیت را به مثابه پدیده‌ای چندبعدی و شامل مراحل کشف مشکل و حل مشکل در نظر می‌گیرد و بر این اساس به «طبقه‌ای» می‌رسد که به سختی می‌توان آن را یک طبقه یکسان نامید. زیرا مشاغل و حرفه‌های موجود در طبقه‌های ارائه شده توسط فلوریدا طیف بسیار وسیع و متنوعی را شامل می‌شود و به سختی می‌توان آن‌ها را در یک طبقه یکسان به حساب آورد. بنا به دیدگاه طرح شده توسط آلفکن و

همکاران (Alfken et al, 2013) در مقاله‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر تجمع فضایی طبقه خلاق، تعریف فلوریدا از طبقه خلاق همه شغل‌ها را در بر ندارد و همه شمول نیست. سایر انتقادات وارد بر دسته‌بندی‌های شغلی فلوریدا، به این مورد باز می‌گردد که وی در طبقه‌بندی خود بسیاری از مشاغل را بدون توجه به تفاوت در مهارت‌های مورد نیازشان به صورت مشابه در نظر گرفته و در یک طبقه قرار می‌دهد و از آنجایی که نظریه طبقه خلاق بر شغل افراد تمرکز دارد، این موضوع از حیث سهم اشتغال در صنایع منجر به تفاوت‌هایی می‌شود. مارکوسن نیز به تعبیری دیگر استدلال می‌کند که «در طبقه خلاق، مشاغلی که گرایش‌های فضایی و سیاسی متمایزی دارند صرفاً بر پایه دستاوردهای آموزشی و با ارتباط اندکی با خلاقیت در یک دسته طبقه‌بندی شده‌اند.»

دیگر انتقادات وارده معطوف به دسته‌بندی طبقه خلاق است. گروه‌بندی طبقه خلاق توسط فلوریدا (۲۰۰۵) و بر اساس گروه‌های عمده شغلی و نه بر مبنای وضعیت تحصیلی آن‌ها صورت گرفته است. اما نقد وارد به دسته‌بندی «هسته فوق خلاق» و «حرفه‌مندان خلاق» این است که این نوع طبقه‌بندی، جامعه را به دو طبقه «خلاق» و «غیرخلاق» تقسیم می‌کند که منجر به جدایی طبقاتی شده و پیامدهای منفی را در بر خواهد داشت (Atkinson & Easthope, 2009). موضوع دیگر این است که در دسته‌بندی دوگانه فلوریدا تعداد انواع حرفه‌های موجود زیاد و شامل طیف وسیعی است (Heerden & Bontje, 2014). به همین دلیل، بسیاری مفهوم طبقه خلاق را به‌عنوان مخلوطی در هم‌ریخته مورد خطاب قرار می‌دهند. مشکل اصلی از این دیدگاه نبود معیارهایی برای تشخیص مشاغل خلاق از غیرخلاق است. نقد مهم دیگر به حوزه عدالت اجتماعی و سیاست‌های نابرابری فضایی شهر خلاق بازمی‌گردد. حتی از دید (Peck, 2005)، کتاب «ظهور طبقه خلاق» نیز به دلیل نادیده گرفتن نسبی مسائل مربوط به نابرابری در شهر و ضعف عملکرد مورد نقد بوده است. اتکینسون (Atkinson, 2005) نیز به‌نوعی به مسئله عدالت اجتماعی اشاره کرده و با این مسئله که افزایش نابرابری در درآمد یک چالش است موافق است. در این رابطه فلوریدا نیز به‌تازگی در مقاله‌ای اعلام کرده است که تصوراتش در مورد طبقه خلاق در شهر اشتباه بوده است. به‌زعم فلوریدا، گرچه حضور طبقه خلاق منجر به رشد اقتصادی در برخی مناطق شده است، اما در شهرهایی نظیر نیویورک، لندن و سان‌فرانسیسکو، سطوحی از نابرابری درآمدی بین ساکنان شهرها را به همراه داشته است. وی با استفاده از هم‌بستگی میان شاخص‌هایی هم‌چون جمعیت خلاق با متوسط دستمزد، قیمت زمین و مسکن و هزینه‌های زندگی نشان می‌دهد که گرچه تجمع و انبوهی جمعیت به‌ویژه طبقه خلاق در یک منطقه شهری باعث افزایش درآمد و سطح دستمزدهای می‌شود اما همین امر منجر به بالارفتن سطح خدمات و قیمت زمین و مسکن در این مناطق شده که در نتیجه ساکنان قدیمی را مجبور به اقامت در حومه‌های شهر می‌سازد.

پیشینه عملی

عمده پژوهش‌های داخلی انجام شده یا به موضوع شهر خلاق پرداخته‌اند و یا در محدود پژوهش‌های انجام شده در زمینه طبقه خلاق تنها ترجیحات سکوتی و طراحانه ایشان آن‌هم به شیوه‌ای مروری-اسنادی و نه از طریق شیوه‌های پیمایشی مورد بررسی قرار داشته است. از پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در زمینه طبقه خلاق می‌توان به پژوهش پایان‌نامه دادپور (۱۳۹۰)، در زمینه «جذب طبقه خلاق در تهران به کمک طراحی شهری؛ پژوهش آرشیان و استادی (۱۳۹۵)، با عنوان «جذب طبقه خلاق در فضای شهری با استفاده از هنر عمومی تعاملی» و مقاله مروری نظری و همکاران (۱۳۹۶)، در زمینه «ترجیحات سکوتی طبقه خلاق سایر کشورها» اشاره کرد.

در اغلب متون بین‌المللی مرور شده نیز به وجود رابطه قوی میان طبقه خلاق و رشد و توسعه اقتصادی مناطق اشاره می‌شود. اندرسون (۱۹۸۵) و اتکینسون (۲۰۰۷)، این موضوع را در ایالات متحده و در برخی بخش‌های اروپا بررسی کرده‌اند.

هیردن و بونجه (۲۰۱۳)، از طریق پرسش‌نامه به بررسی ترجیحات فضایی طبقه خلاق در برلین پرداخته‌اند و در نهایت شاخص‌های گشودگی، جو دوستانه، تنوع فرهنگی، تنوع قومیتی، تنوع امکانات عمومی و تفریحی و زیبایی‌های معمارانه را در مکان‌گزینی طبقه خلاق با اهمیت تشخیص داده‌اند.

لاوتون و همکاران (۲۰۱۳)، نیز در مقاله‌ای دیگر به طور اختصاصی به بررسی ترجیحات فضایی سکونتی طبقه خلاق برلین با بهره‌گیری از هر دو روش کمی و کیفی پرداخته‌اند. ایشان این ترجیحات را به تفکیک افراد ساکن در مرکز، حومه و یا بیرون از شهر مورد بررسی قرار داده و در نهایت عواملی همچون هزینه مسکن، فاصله تا محل کار، ابعاد خانه و نزدیکی به شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی را در انتخاب محل سکونت توسط طبقه خلاق موثر دانسته‌اند.

کوک و کلیفتون (۲۰۱۴)، نیز با استفاده از تحلیل‌های آماری در اروپا و آمریکای شمالی دریافتند که شاخص‌های بوهمین، فرصت‌های فرهنگی، قطب فناوری، تنوع و امکانات عمومی در مناطق از عوامل اثرگذار در جذب طبقه خلاق به شمار می‌روند.

از این‌رو به نظر می‌رسد این پژوهش نخستین کوشش داخلی است که به شیوه‌ای پیمایشی ترجیحات فضایی این طبقه را در کلان‌شهر تهران شناسایی کرده و با بهره‌گیری از نرم‌افزار سناریو ویزارد به گونه‌بندی طبقه خلاق در کلان‌شهر تهران اقدام کرده است.

داده‌ها و روش شناسی

معرفی چارچوب مفهومی و سنجشی پژوهش؛ در نتیجه مرور مبانی نظری و تجربی پژوهش و نیز بررسی پیشینه‌های موجود، چارچوب مفهومی پژوهش به شرح شکل (۲) به شیوه‌ی آمیخته‌پژوهی تدوین و نمایش داده شده است. در راستای اندازه‌گیری و عملیاتی‌سازی این چارچوب مفهومی با توجه به دو دستورکار متواتر پژوهش مبنی بر نخست: بررسی وجود رابطه میان طبقه خلاق به مثابه یک درون‌داد و پیش‌ران با متغیر رشد و توسعه فضایی شهر به مثابه برون‌داد و دستاورد و دوم: شناسایی ترجیحات فضایی طبقه خلاق در کلان‌شهر تهران، مدل عملیاتی مشتمل بر شاخص‌هایی به شرح جدول (۱) گزینش شده‌اند. مدل اندازه‌گیری شامل معیارها و شاخص‌ها نخست به شیوه فراتلفیق^۱ اعتبارسنجی شد. سپس تدقیق و بومی‌سازی آن‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌باز انجام شد. خروجی فهرست نهایی معیارها و شاخص‌ها در شکل (۲) و جدول (۱) آورده شده است.

^۱. metasynthesis



شکل ۲- چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

جدول ۱- چارچوب سنجشی و مدل اندازه‌گیری پژوهش

شاخص‌های سنجنده رابطه میان طبقه خلاق به‌مثابه درون‌داد و رشد و توسعه فضایی شهر به‌مثابه برون‌داد			
شاخص‌های برون‌دادی		شاخص‌های درون‌دادی	
شاخص‌های تولید ثروت و رقابت‌پذیری شامل: ارزش‌افزوده کل و بهره‌وری		جمعیت کل	
		شاغلان دارای تحصیلات عالی	
شاخص‌های توزیعی شامل: نرخ اشتغال کل و ضریب جینی		جمعیت باسواد	
		جمعیت دارای تحصیلات عالی	
قیمت زمین و مسکن		شاغلان گروه‌های شغلی خلاق	
		شاغلان گروه‌های شغلی خلاق با تحصیلات عالی	
شاخص‌های محیط کسب‌وکار (محدودیت دسترسی به شبکه تلفن همراه و اینترنت، نرخ مشارکت نیروی انسانی، تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان و...)		سرانه نوآوری و خلاقیت	
		هزینه‌های پژوهش و توسعه	
شاخص‌های سنجنده ترجیحات فضایی طبقه خلاق به تفکیک مقوله‌های ۴ گانه		ارزش‌افزوده بخش‌های خلاق	
		نرخ باسوادی	
ترجیحات فراغتی		سهم شاغلان دارای تحصیلات عالی	
		سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی	
ترجیحات ارتباطی		سهم شاغلان خلاق	
		سهم شاغلان خلاق دارای تحصیلات عالی	
ترجیحات فعالیتی		سهم ارزش‌افزوده بخش‌های خلاق	
		سهم هزینه‌های پژوهش و توسعه	
ترجیحات سکوتی و کالبدی		ترجیحات سکوتی و کالبدی	
وجود فضاهای طبیعی، آسایشی		وجود فرصت‌های شغلی متنوع و خاص و با درآمد بالا	
وجود فضاهای طبیعی، آسایشی		زیرساخت‌های پیشرفته	

شاخص‌های سنجده رابطه میان طبقه خلاق به‌مثابه درون‌داد و رشد و توسعه فضایی شهر به‌مثابه برون‌داد			
شاخص‌های برون‌دادی		شاخص‌های درون‌دادی	
			جو خودمانی و دوستانه
فضاهای خلوت‌گزین	رضایت از دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	وجود شبکه‌های حرفه‌ای کاری	تصویر خوب محله
			نزدیکی به محل کار و دوستان
تشخص و شهرت فضا		نزدیکی و دسترسی به مشتریان	نزدیکی به مراکز آموزشی، پژوهشی و شرایط محیط‌های یادگیری
			آب‌وهوا
تنوع تفریحات و فضاهای گذران اوقات فراغت	ایمنی شبکه حمل‌ونقل	محیط‌های نوآور و خلاق	نزدیکی به محیط طبیعی
			تنوع فرهنگی
		هم‌جواری با کارفرما، بنگاه‌ها	آرامش فضا
			دسترسی به مسکن مناسب و کیفیت مسکن
امنیت عمومی فضا	محدودیت‌های ترافیکی	قرارگیری در راسته‌ها و خوشه‌های مرتبط	امنیت
			آلودگی و ازدحام کمتر
فرصت‌های متنوع خرید		پرداخت‌پذیری مکان	دسترسی به امکانات رفاهی
			فضاهای خاص و منحصربه‌فرد
		تشخص فضا	هزینه‌های زندگی

این پژوهش از لحاظ روش‌شناسی در زمره پژوهش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) قرار دارد و از لحاظ روشی از ترکیبی از تحلیل‌های اسنادی، آماری و پیمایش‌های اجتماعی مصاحبه‌ای و پرسش‌نامه‌ای یاری گرفته است. در راستای پیشبرد مدل‌های مفهومی و سنجشی بالا، پژوهش در سه گام اصلی ساختاریافته است:

۱- در گام نخست با نیت تبیین رابطه میان طبقه خلاق به‌مثابه پیش‌ران و محرک و رشد و توسعه فضایی به‌مثابه دستاورد، به تحلیل پیامدها و آثار مثبت و منفی طبقه خلاق بر رشد و توسعه فضایی شهر پرداخته شده است. این گام با استفاده از تحلیل‌های آماری به شیوه رگرسیون صورت گرفته است. با توجه به نبود داده‌های آماری مربوط به طبقه خلاق و دستاورد آن در سطح کلان‌شهر از داده‌های موجود در دو مقیاس کلان (استان‌های ۳۱ گانه کشور) و میانه (استان تهران) بهره‌گیری شده است.

۲- در گام دوم و پس از تبیین وجود رابطه میان طبقه خلاق و دستاورد رشد و توسعه مناطق شهری شناسایی ترجیحات فضایی طبقه خلاق در عرصه‌های مفهومی طبقه‌بندی شده به شرح مدل مفهومی پیش‌گفته در دستور کار قرار دارد. این گام به شیوه پیمایش اجتماعی از طریق مصاحبه و پرسش‌نامه انجام گرفته و در نهایت با نیت گونه‌شناسی بومی طبقه خلاق کلان‌شهر تهران از روش تحلیل اثرات متوازن و سناریونگاری بهره‌گیری شده است.

۳- گام سوم به ارائه پیشنهادها و راهکارهای فضایی جذب و نگهداشت طبقه خلاق به تفکیک ترجیحات فضایی طبقات مختلف شناسایی شده اختصاص دارد. بر این اساس کوشش می‌شود با استفاده از روش سناریونگاری بر اساس داده‌های گردآوری شده گونه‌شناسی طبقات خلاق صورت پذیرد.

باتوجه به مشخص نبودن حجم جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده است که در آن یک فهرست اولیه از افراد خلاق طبق دسته‌بندی پیش‌گفته و شاغل در زمینه‌های هنری، دانشی، تولید انبوه، بازارچه‌های تخصصی، صنعت و خدمات شناسایی شدند که در شغلشان نوآوری از قبیل تولید محصول، ایده و یا خدمات نوین داشتند و از آن‌ها خواسته شد تا پرسش‌نامه را تکمیل کنند و سپس از آن‌ها خواسته شد تا کسانی را که فکر می‌کنند برای این تحقیق مناسب هستند، معرفی کنند. به‌منظور تصادفی بودن انتخاب نمونه‌ها کوشش شده است تا مطابق گروه‌بندی

فلوریدا پرسش‌شوندگان از دو طبقه انتخاب شوند؛ ۱: هسته فوق‌خلاق شامل مهندسان کامپیوتر، ریاضی، معماری، مهندسی، علوم اجتماعی، آموزشی، کتابداری، هنر، طراحی و سرگرمی و ۲: حرفه‌مندان خلاق شامل افراد شاغل در بخش مدیریت، امور مالی و تجاری، امور قضایی، بهداشت و فروش. به‌علاوه در تعیین افراد مورد پرسش معیارهایی هم‌چون ساکن تهران بودن، اشتغال در شاخه‌های خلاق یا دانش‌بنیان و برخورداری از نوعی نوآوری و خلاقیت (تولید محصول، ایده، ارائه خدمات نوین، شیوه مدیریتی خاص و غیره) در حرفه خود مدنظر قرار داشته است. در این پژوهش نیز طبقه خلاق را همین دو بخش در نظر گرفته و با توزیع ۹۶ پرسش‌نامه میان واجدین شرایط به گردآوری اطلاعات پرداخته شده است. با این حجم نمونه سطح اطمینان ۹۵ و فاصله اطمینان ۴ به دست خواهد آمد.

قلمرو پژوهش

طبقه خلاق ساکن در کلان‌شهر تهران جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. تهران با برخورداری از بیش‌ترین جمعیت تحصیل‌کرده در سطح کشور و نیز سهم بالای هزینه‌های پژوهش و توسعه، از سهم بالایی در تولید ناخالص داخلی (سهم ۲۵ درصدی ناشی از جمعیت ۱۱ درصدی) برخوردار است و نیز عمده مراکز نوآوری، خلاقیت و دانش و مراکز تفریحی و فراغتی و امکانات زیرساختی در آن قرار گرفته است. با وجود تمامی پتانسیل‌های برشمرده شده، کلان‌شهر تهران از جایگاه مطلوبی در رده‌بندی‌های موجود جهانی از شهرهای رقابت‌پذیر، خلاق، جهانی و زیست‌پذیر برخوردار نیست. از دیدگاه صرافی و همکاران (۱۳۸۸)، کلان‌شهر تهران با وجود داشتن منابع انسانی و اقتصادی از بسیاری از کلان‌شهرهای خاورمیانه و جهان فاصله گرفته و عقب‌افتاده است. کلان‌شهر تهران با دارا بودن پتانسیل‌های بالا در زمینه دسترسی به اماکن تفریحی و گذران اوقات فراغت، تنوع فرهنگی، سابقه تاریخی، هنری، فرهنگی، ظرفیت‌های مذهبی، جاذبه‌های فرهنگی و زمینه‌های موجود در کلان‌شهر تهران، استعداد بالایی برای استقرار طبقه خلاق و افراد نوآور دارد که در ادامه همین امر موجب استقرار صنایع و فعالیت‌های خلاقانه در منطقه می‌شود. ولی متأسفانه توجه چندانی به این موضوع نشده است؛ بنابراین، طبقه خلاق و سرمایه‌های درونی موجود به‌علاوه پتانسیل‌های درونی کلان‌شهر تهران به‌عنوان یکی از راهبردهای اساسی در افزایش هرچه بیشتر این سهم بوده و می‌توان با در نظر گرفتن راهکارهای حفظ، جذب و نگهداشت طبقه خلاق و مهیا کردن شرایط لازم برای حضور این طبقه در شهرها به افزایش این سهم در اقتصاد و در نهایت به توسعه و رشد اقتصادی شهرها و کلان‌شهرها کمک شایانی کرد و جایگاه کلان‌شهری را در سطح ملی و فراملی ارتقاء بخشید؛ زیرا که خلاقیت و نوآوری می‌تواند موجب ارتقای بهره‌وری، رشد و توسعه کلان‌شهر، تنوع تولیدات و خدمات، تحریک و تشویق حس رقابت شود.

یافته‌ها

بر اساس فرآیند برشمرده، تحلیل موردپژوهی در سه گام اصلی به شرح ادامه صورت می‌پذیرد.

گام نخست، تبیین رابطه میان طبقه خلاق و دستاورد رشد و توسعه مناطق؛ به‌منظور بررسی میزان اثرگذاری حضور طبقه خلاق با دستاورد رشد و توسعه فضایی مطابق دیدگاه نظری فلوریدا، در این گام به سنجش میزان هم‌بستگی میان متغیرهای درون‌دادی و برون‌دادی به شرح جدول (۲) پرداخته شده است. به دلیل نبود طبقه‌بندی رسمی از سرمایه‌های خلاق در ایران و نیز وجود مشکلات و محدودیت‌های متعدد در گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز در سطح شهری از داده‌های استانی جهت سنجش وجود رابطه میان حضور طبقه خلاق و دستاورد رشد و توسعه مناطق شهری بهره‌گیری شده است. آن‌چنان که پیش‌تر نیز مطرح شد، در مورد وجود این رابطه مفروض دو دیدگاه اصلی وجود دارد؛ ریچارد فلوریدا به‌عنوان نظریه‌پرداز اصلی، هم به پیامدهای مثبت حضور طبقه خلاق در کتاب «ظهور طبقه خلاق»

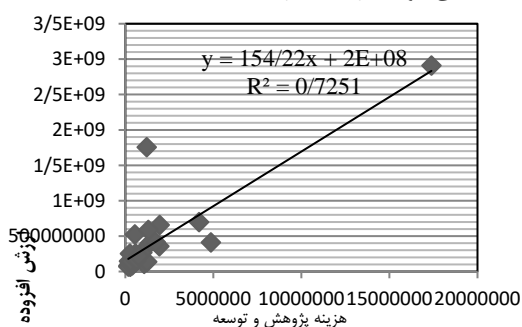
0.9	0.8	0.5	-0.4	0.4	0.3	0.3	0.2	-0.1	0.5	0.0	1.0	0.7	0.3	0.7	0.5	0.4	0.4	0.3	0.4	0.4	0.2	سه‌م جمعیت دارای تحصیلات عالی
0.0	0.0	0.1	0.0	0.1	0.1	0.2	0.0	0.1	0.3	1.0	0.0	0.3	0.4	0.3	0.1	0.2	0.1	0.1	0.1	0.1	0.1	سه‌م ارزش‌افزوده بخش‌های خلاق
0.6	0.8	0.6	-0.4	0.3	0.4	0.6	0.4	0.1	1.0	0.3	0.5	0.7	0.5	0.7	0.6	0.5	0.5	0.4	0.5	0.5	0.4	سه‌م شاغلان خلاق
-0.1	0.1	0.3	-0.1	0.1	0.4	0.3	0.2	1.0	0.1	0.1	-0.1	0.0	0.4	0.0	0.3	0.3	0.3	0.4	0.3	0.3	0.4	ضریب جینی
0.2	0.2	0.2	-0.3	0.1	0.2	0.2	1.0	0.2	0.4	0.0	0.2	0.3	0.2	0.2	0.2	0.2	0.2	0.2	0.2	0.2	0.2	نرخ اشتغال کل
0.3	0.4	0.9	-0.2	0.1	0.8	1.0	0.2	0.3	0.6	0.2	0.3	0.5	0.8	0.6	0.9	0.9	0.9	0.8	0.9	0.9	0.9	قیمت زمین و مسکن
0.4	0.5	0.9	-0.2	0.5	1.0	0.8	0.2	0.4	0.4	0.1	0.3	0.4	0.9	0.4	0.9	0.9	0.9	0.9	0.9	0.9	0.9	ارزش‌افزوده کل
0.6	0.4	0.2	-0.3	1.0	0.5	0.1	0.1	0.1	0.3	0.1	0.4	0.4	0.4	0.1	0.2	0.1	0.2	0.1	0.2	0.2	0.2	بهره‌وری
-0.4	-0.3	-0.2	1.0	-0.3	-0.2	-0.2	-0.3	-0.1	-0.4	0.0	-0.4	-0.6	-0.2	-0.2	-0.2	-0.2	-0.2	-0.2	-0.2	-0.2	-0.2	شاخص‌های پیش‌کسب‌وکار
0.5	0.6	1.0	-0.2	0.2	0.9	0.9	0.2	0.3	0.6	0.1	0.5	0.5	0.9	0.6	1.0	0.9	1.0	0.9	1.0	0.9	0.9	سه‌م هزینه‌های پژوهش و توسعه
0.8	1.0	0.6	-0.3	0.4	0.5	0.4	0.2	0.1	0.8	0.0	0.8	0.7	0.4	0.6	0.6	0.5	0.4	0.4	0.4	0.4	0.4	سه‌م شاغلان خلاق دارای تحصیلات عالی
1.0	0.8	0.5	-0.4	0.6	0.4	0.3	0.2	-0.1	0.6	0.0	0.9	0.8	0.4	0.5	0.5	0.4	0.4	0.3	0.4	0.4	0.4	سه‌م شاغلان دارای تحصیلات عالی

منبع: یافته‌های تحقیق

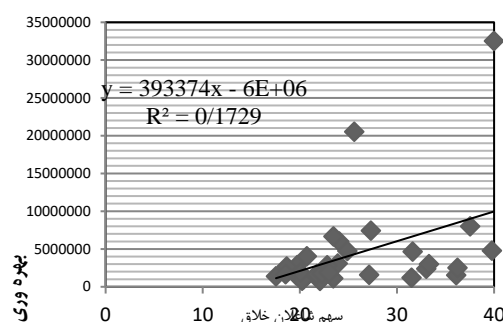
بر اساس نتایج به‌دست‌آمده مشخص می‌شود که میان برخی از این متغیرها در ایران رابطه هم‌تغییری با به عبارتی همبستگی بالایی وجود دارد. از جمله؛ شاغلان دارای تحصیلات عالی که همبستگی قوی با ارزش‌افزوده بخش‌های خلاق (۰٫۹۱۴)، هزینه‌های پژوهش و توسعه (۰٫۹۴۸) و ارزش‌افزوده کل (۰٫۹۲۳) دارا است که به معنای اثرگذاری سرمایه‌های انسانی تحصیل‌کرده بر برون‌داد اقتصادی است. به عبارتی شاخص ارزش‌افزوده کل به‌مثابه یک دستاورد و برآیند با شاخص‌های شاغلان گروه‌های شغلی خلاق، ارزش‌افزوده بخش‌های خلاق (۰٫۹۴۶)، هزینه‌های پژوهش و توسعه (۰٫۸۵۲) و شاغلان گروه‌های شغلی خلاق دارای تحصیلات عالی (۰٫۹۰۶) همبستگی بالایی دارد. از بعد پیامدهای منفی تجمع طبقه خلاق و سرمایه‌های انسانی در مناطق شهری می‌توان به وجود رابطه مثبت و نسبتاً شدید

میان قیمت زمین و مسکن با سهم شاغلان خلاق (۰.۶۰۱) و سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی (۰.۴۸۳) نیز اشاره کرد. با مشاهده این موارد می‌توان ادعان داشت که خلاقیت و حضور طبقه خلاق شاغل در مشاغل خلاق در مجموع منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود و دارای آثار و پیامدهایی مثبت است. تحلیل‌های رگرسیونی انجام شده جهت ترسیم بهتر وضعیت نیز این مفروضات را تأیید می‌کند. بر اساس نتایج مشخص است که در سطح کلان (ایران) میان درون‌داد خلاقیت و برون‌داد رشد و توسعه گزاره‌هایی به شرح موارد زیر و شکل (۳) وجود دارد:

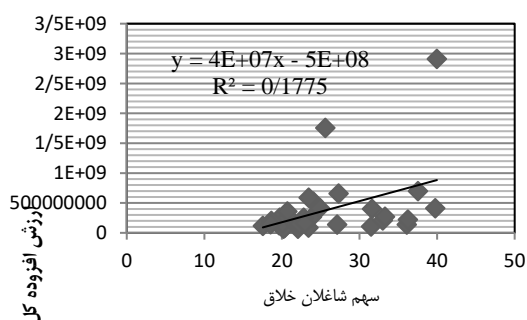
- انبوهی و تجمع جمعیت در مناطق شهری با ارزش افزوده ناشی از بخش‌های خلاق رابطه مستقیم دارد. به عبارتی جمعیت موجد خلاقیت نیز تلقی می‌شود.
- تجمع شاغلان دارای تحصیلات عالی و نیز جمعیت خلاق با ارزش افزوده کل و بهره‌وری منطقه رابطه مستقیم دارد.
- در مجموع ارزش افزوده کل با حضور شاغلان گروه‌های شغلی خلاق، سرانه خلاقیت و نوآوری، نرخ باسوادی، سهم شاغلان خلاق، میزان ارزش افزوده بخش‌های خلاق، هزینه‌های پژوهش، توسعه و شاغلان خلاق و نیروی انسانی افزایش می‌یابد و این موارد موجد تولید ثروت بیش‌تر برای مناطق به شمار می‌روند.
- از جمله پیامدهای منفی تجمع شاغلان خلاق و نیروی انسانی تحصیل کرده این است که گرچه حضور آن‌ها باعث افزایش تولید ثروت و بهره‌وری در مناطق شهری می‌شود، اما اثر زیادی بر توزیع ثروت از طریق اشتغال‌زایی عمومی ندارد، بلکه باعث افزایش نابرابری‌های درآمدی (ضریب جینی) و قیمت زمین و مسکن، که بیرون‌راندن بخشی از جمعیت در جست‌وجوی مسکن قابل استطاعت را سبب می‌شود، نیز به همراه دارد.



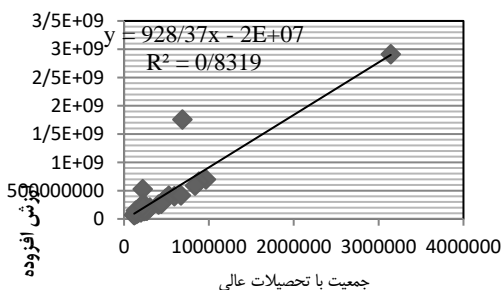
رابطه متغیر درون‌دادی هزینه پژوهش و توسعه با متغیر برون‌دادی ارزش افزوده



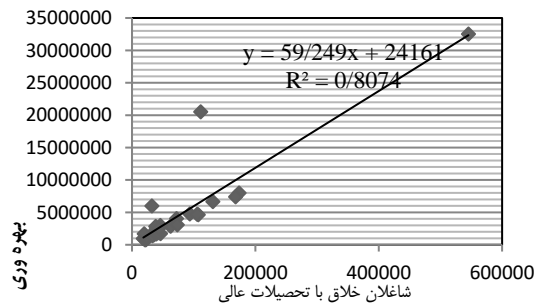
رابطه متغیر درون‌دادی سهم شاغلان خلاق با متغیر برون‌دادی بهره‌وری



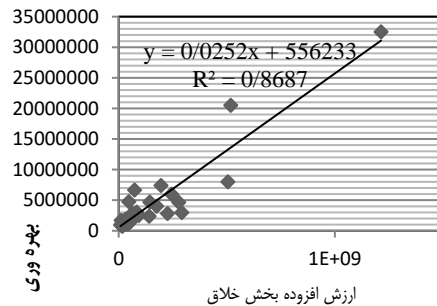
رابطه متغیر درون‌دادی سهم شاغلان خلاق با متغیر برون‌دادی ارزش افزوده کل



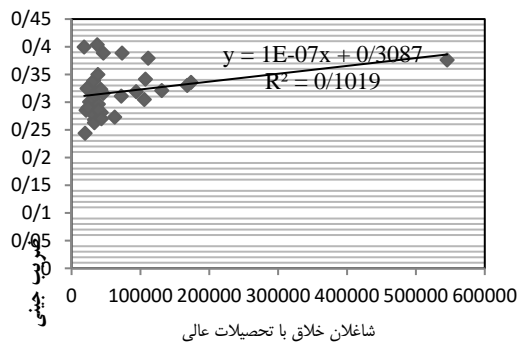
رابطه متغیر درون‌دادی جمعیت با تحصیلات عالی با متغیر برون‌دادی ارزش افزوده



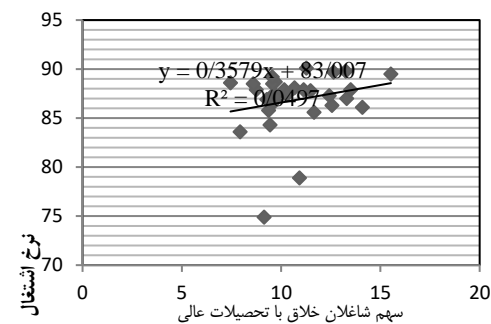
رابطه متغیر شاغلان خلاق با تحصیلات عالی با متغیر برون‌دادی بهره‌وری



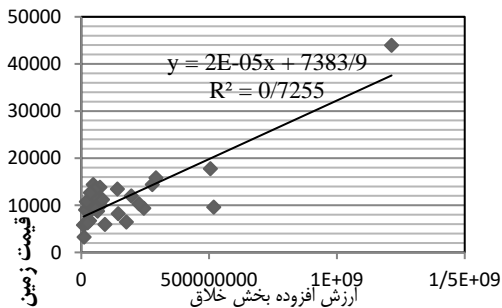
رابطه متغیر درون‌دادی ارزش افزوده بخش خلاق با متغیر برون‌دادی بهره‌وری



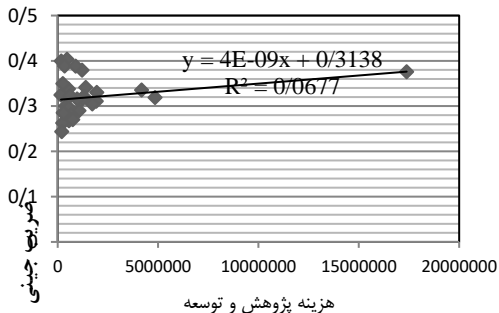
رابطه متغیر شاغلان خلاق با تحصیلات عالی با متغیر برون‌دادی ضریب جینی



رابطه متغیر سهم شاغلان خلاق با تحصیلات عالی با متغیر برون‌دادی نرخ اشتغال



رابطه میان متغیر درون‌دادی ارزش افزوده بخش خلاق با متغیر قیمت زمین جینی

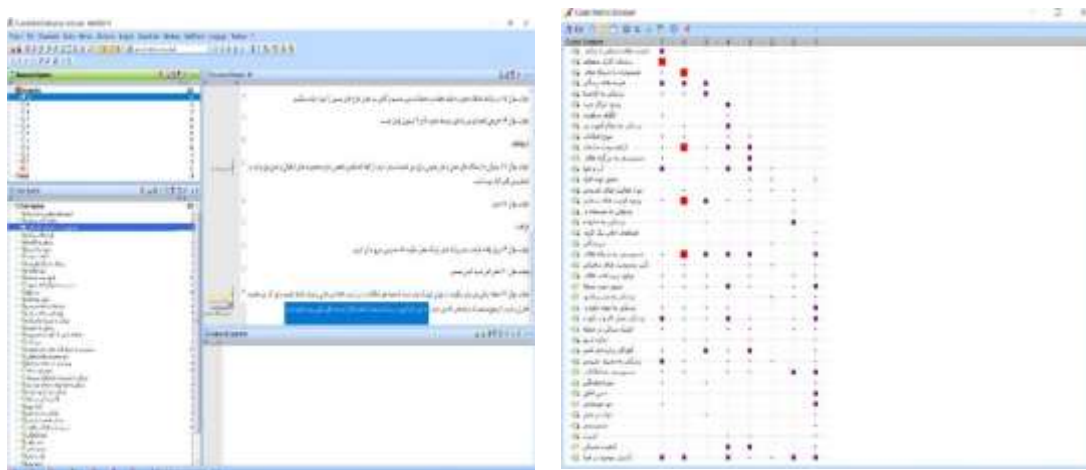


رابطه میان متغیر درون‌دادی هزینه پژوهش و توسعه با متغیر ضریب جینی

شکل ۳- نمودار رابطه رگرسیونی میان طبقه خلاق به‌مثابه درون‌داد و دستاورد رشد و توسعه به‌مثابه برون‌داد در مناطق استانی ایران

گام دوم، شناسایی ترجیحات فضایی طبقه خلاق در عرصه‌های مختلف؛ ترجیحات فضایی طبقه خلاق کلان‌شهر تهران به شیوه پیمایش اجتماعی و در دو گام نخست از طریق مصاحبه عمیق و سپس از طریق پرسش‌نامه نیمه‌باز شناسایی شده است. در گام نخست و به‌منظور نهایی‌سازی پرسش‌نامه نیمه‌باز با تعدادی از افراد خلاق مصاحبه عمیق انجام شد و نتایج این مصاحبه‌های کیفی از طریق نرم‌افزار MaxQDA کدگذاری، مقوله‌بندی و پردازش شد. به این صورت که جملات یا پاراگراف‌های اظهار شده در مورد ترجیحات فضایی افراد به تفکیک عرصه‌های سکونت،

فراغت و فعالیت استخراج و به هر یک برچسب مفهومی داده شد. به عنوان نمونه، در عرصه سکونت و فعالیت کدهایی مانند نزدیکی به محل کار، دسترسی به خدمات، آرامش و ...، در عرصه فعالیت به مواردی همچون وجود شبکه‌های حرفه‌ای کاری، وجود محیط نوآور و خلاق، در عرصه ارتباطات به ایمنی شبکه حمل و نقل عمومی و در دسترس بودن آن، محدودیت‌های ترافیکی و در عرصه فراغت به مواردی همچون تشخص و شهرت فضا، تنوع فضاهای تفریحی و حضور توده‌های افراد و ... به دست آمد. سپس در گام‌های بعدی بر اساس تکرار مفاهیم مقوله‌بندی و تحلیل مضامین انجام شد. سیستم و ماتریس کدگذاری در شکل (۴) نمایش داده شده است. در گام دوم، بر اساس مصاحبه‌ها و نیز مدل مفهومی و اندازه‌گیری پژوهش، پرسش‌نامه نیمه‌باز جهت توزیع و پرسش‌گری گسترده‌تر طراحی شد. پرسش‌نامه از سه بخش تشکیل شده است. بخش نخست شامل پرسش‌های عمومی و ویژگی‌های خلاقیت پاسخ‌دهندگان، بخش دوم در برگرفته پرسش‌هایی مبنی بر تعیین محله آرمانی در تهران برای سکونت، فعالیت و فراغت از دیدگاه طبقه خلاق، و بخش سوم شامل ۶۰ پرسش در خصوص معیارهای مربوط به ترجیحات فضایی طبقه خلاق به تفکیک عرصه‌های سکونت، فعالیت، ارتباطات و فراغت می‌شود. پاسخ‌ها در قالب طیف لیکرت (Likert, 1932)، برحسب اهمیت معیار تنظیم شد.



شکل ۴- سیستم و ماتریس کدگذاری مصاحبه‌های عمیق انجام شده به منظور شناسایی مقوله‌های ترجیحات فضایی

عوامل مؤثر در انتخاب محل سکونت به این ترتیب مورد پرسش قرار گرفت؛ سکونت خانواده و خویشان، تولد در محل و حس تعلق، نزدیکی به مراکز آموزشی و پژوهشی، نزدیکی به محل کار و دوستان، جو خودمانی و دوستانه، تصویر خوب محله، آب و هوا، نزدیکی به محیط طبیعی، تنوع فرهنگی، آرامش، اندازه شهر، دسترسی به مسکن مناسب، کیفیت مسکن، هزینه‌های زندگی، امنیت، تنوع فضای ساخته شده، وجود دانشگاه‌های معتبر، آلودگی و ازدحام کمتر، تنوع و مدارا، شرایط محیط‌های آموزش و یادگیری، دسترسی به امکانات رفاهی، فراهم بودن زیرساخت‌ها، فضاهای خاص مربوط به یک گروه اجتماعی ویژه، نوع محله موردپسند و نوع الگوی سکونت. در عرصه فعالیت مواردی همچون وجود فرصت‌های شغلی متنوع، فرصت‌های شغلی با درآمد بالا، فعالیت‌های منعطف و نوین از لحاظ زمانی و نوع فعالیت، وجود شبکه‌های حرفه‌ای کاری، زیرساخت‌های پیشرفته کسب و کار، نزدیکی و دسترسی به مشتریان، نزدیکی به مواد اولیه و خدمات موردنیاز، محیط‌های نوآور و خلاق، هم‌جواری با کارفرما، نزدیکی به زنجیره‌های تولید، قرارگیری در راسته‌ها و خوشه‌های مرتبط، تجمع شرکت‌ها و شبکه‌های همکار در یک مکان، پرداخت‌پذیری مکان و تشخص مکان مورد پرسش قرار گرفت. در بخش ارتباطات نیز عواملی همچون نزدیکی به و رضایت از شبکه‌های حمل و نقل عمومی، ایمنی، تأثیر

محدودیت‌های ترافیکی مانند طرح زوج و فرد و طرح ترافیک و نزدیکی به گره‌گاه‌ها مورد سنجش قرار گرفت. در عرصه فراغت مواردی چون دسترسی به امکانات تفریحی فراغتی خاص، وجود فضاهای طبیعی، حضور توده مردم، فضاهای خلوت‌گزین، تنوع تفریحات و فضاهای گذران اوقات فراغت، امنیت عمومی، تشخیص و شهرت فضا، نوع فضا و نوع تفریحات از جمله معیارهای مورد پرسش مکانی بوده است. با بررسی مقادیر هر یک از موارد پرسش شده مشخص شد که شاخص‌های آب‌وهوا، آرامش موجود در فضا، تصویر خوب محله، دسترسی به مسکن مناسب و کیفیت مسکن، امنیت، آلودگی و ازدحام کمتر، هزینه‌های زندگی، دسترسی به امکانات و فراهم بودن زیرساخت‌ها و خدمات عمومی بیشترین میزان گزینش را دارند. در عرصه فعالیت، جالب‌توجه است که پرسش‌شوندگان تقریباً برای بیشتر موارد پرسش شده بالاترین اولویت را اظهار کرده‌اند. بدین معنا که در انتخاب محل فعالیت خود برای موارد پرسش شده، اهمیت زیادی قائل هستند و وجود آن ویژگی‌ها را در محل فعالیت خود ترجیح می‌دهند. هرچند این ترجیحات در رابطه با شغل‌های مختلف متفاوت است و بنا به ویژگی‌های فردی هر فرد می‌تواند تفاوت کند. نزدیکی به شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی در انتخاب محل سکونت و یا محل فعالیت افراد خلاق در شهر تهران از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و ترجیح افراد در بعد ارتباطی را نزدیکی به شبکه حمل‌ونقل عمومی شکل داده است. عامل وجود فضاهای طبیعی، آسایشی و تشخیص و شهرت فضا در انتخاب مکان فراغت و گذران اوقات فراغت طبقه خلاق تأثیر زیادی دارد و سایر معیارها به طور متوسط تأثیرگذار است. نتایج تفصیلی این موارد بر اساس آزمون تی تک‌نمونه‌ای در ادامه ارائه شده است. برای جمع‌بندی نتایج پرسش‌نامه از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد.

ترجیحات فضایی طبقه خلاق برای سکونت و کالبد: شاخص‌های ترجیحات سکونت و کالبد در جدول (۳) بر اساس فراوانی تکرار پاسخ زیاد و خیلی زیاد ارائه شده است. چنانچه از اولویت‌بندی معیارها به دست می‌آید، امنیت، کیفیت مسکن، دسترسی به امکانات رفاهی، آرامش فضا و آلودگی و ازدحام کم‌تر بیش‌ترین اهمیت را در انتخاب محل سکونت داشته است. معیارهای سنتی مکان‌گزینی هم‌چون سکونت خانواده و محل تولد جز ترجیحات مکانی این طبقه در انتخاب محل سکونت به شمار نمی‌آید. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، به دلیل استفاده از طیف لیکرت، میانۀ نظری (عدد ۳) به‌عنوان حد متوسط تأثیرگذاری معیارها در انتخاب مکانی افراد در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی تأثیرگذاری معیارهای سکونت و کالبد در انتخاب مکانی افراد

Test value= 3							
شاخص‌ها	t	درجه آزادی	میانگین	مقدار احتمال	اختلاف میانگین	lower	upper
امنیت	۱۵,۲۲۹	۹۵	۴,۲۲	۰	۱,۲۱۹	۱,۰۶	۱,۳۸
کیفیت مسکن	۱۶,۹۰۷	۹۵	۴,۱۶	۰	۱,۱۵۶	۱,۰۲	۱,۳۹
دسترسی به امکانات رفاهی	۱۳,۷۳۳	۹۵	۴,۱	۰	۱,۱۰۴	۰,۹۴	۱,۲۶
آرامش موجود در فضا	۱۲,۶۰۸	۹۵	۴,۰۸	۰	۱,۰۸۳	۰,۹۱	۱,۲۵
آلودگی و ازدحام کمتر	۱۰,۵۴۷	۹۵	۴,۰۵	۰	۱,۰۵۲	۰,۸۵	۱,۲۵
تصویر خوب محله	۹,۴۹۹	۹۵	۳,۹۹	۰	۰,۹۹	۰,۷۸	۱,۲
آب‌وهوا و خرداقلیم	۱۰,۰۳۳	۹۵	۳,۹۴	۰	۰,۹۳۸	۰,۷۵	۱,۱۲
دسترسی به مسکن مناسب	۷,۶۱۳	۹۵	۳,۸	۰	۰,۸۰۲	۰,۵۹	۱,۰۱
فراهم بودن زیرساخت	۷,۷۲۳	۹۵	۳,۷۵	۰	۰,۷۵	۰,۵۶	۰,۹۴
هزینه‌های زندگی	۷,۳۰۱	۹۵	۳,۷۱	۰	۰,۷۰۸	۰,۵۲	۰,۹
ظرفیت مدارا و تحمل	۶,۴۱۸	۹۵	۳,۶۳	۰	۰,۶۲۵	۰,۴۳	۰,۸۲
نزدیکی به محیط طبیعی	۵,۴۲۷	۹۵	۳,۵۹	۰	۰,۵۹۴	۰,۳۸	۰,۸۱

۰٫۷	۰٫۱۹	۰٫۴۴۸	۰٫۰۰۱	۳٫۴۵	۹۵	۳٫۴۹۶	نزدیکی به محل کار
۰٫۵۳	۰٫۰۳	۰٫۲۸۱	۰٫۰۲۷	۳٫۲۸	۹۵	۲٫۲۴۳	فضاهای ویژه یک گروه اجتماعی
۰٫۴۹	۰٫۰۵	۰٫۲۷۱	۰٫۰۱۷	۳٫۲۷	۹۵	۲٫۴۳۴	تنوع فضاهای ساخته شده
۰٫۴۷	۰	۰٫۲۴	۰٫۰۴۶	۳٫۲۴	۹۵	۲٫۰۲۶	تنوع فرهنگی
۰٫۴۶	۰	۰٫۲۲۹	۰٫۰۴۹	۳٫۲۳	۹۵	۱٫۹۹	شرایط محیطهای آموزشی
۰٫۴۷	-۰٫۰۳	۰٫۲۱۹	۰٫۰۸۳	۳٫۲۲	۹۵	۱٫۷۵۱	جو خودمانی و دوستانه
۰٫۳۹	-۰٫۰۳	۰٫۱۷۷	۰٫۱۰۱	۳٫۱۸	۹۵	۱٫۶۵۸	اندازه شهر
۰٫۱۲	-۰٫۳۵	-۰٫۱۱۵	۰٫۳۳۵	۲٫۸۹	۹۵	-۰٫۹۶۸	نزدیکی به مراکز آموزشی
۰٫۱۲	-۰٫۳۷	-۰٫۱۲۵	۰٫۳۲۳	۲٫۸۸	۹۵	-۰٫۹۹۳	وجود دانشگاههای معتبر
۰٫۰۳	-۰٫۵۱	-۰٫۲۴۰	۰٫۰۸	۲٫۷۶	۹۵	-۱٫۷۳۷	سکونت خانواده و خویشاوندان
-۰٫۶۶	-۱٫۱۳	-۸۹۶	۰	۲٫۱	۹۵	-۷٫۴۷۶	تولد در این محل

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود با توجه به میانگین معیارها و میانۀ نظری (عدد ۳) و با توجه به معناداری، از بین معیارهای سازنده عرصه سکونت و کالبد موارد زیر از بیش‌ترین اهمیت نزد این طبقه برخوردار هستند؛

- ظرفیت مدارا، شرایط محیطهای آموزشی، تنوع فرهنگی، تنوع فضاهای ساخته شده و فضاهای خاص ویژه یک گروه اجتماعی تأثیرگذاری متوسطی بر ترجیحات مکانی افراد خلاق در انتخاب محل سکونت دارند.
- معیارهای سنتی هم‌چون، جو خودمانی و دوستانه فضا، سکونت خانواده و خویشاوندان در محله، اندازه شهر و تولد در محل تأثیرگذاری چندانی بر انتخاب مکانی افراد خلاق ندارند.
- دسترسی به امکانات رفاهی، کیفیت مسکن، آلودگی و ازدحام کمتر، آرامش موجود در فضا، تصویر خوب محله، آب‌وهوا و خرداقلیم و امنیت با میانگینی بالاتر از تأثیر به‌سزایی در انتخاب محل سکونت افراد خلاق در شهر تهران دارند.

ترجیحات فضایی طبقه خلاق برای فعالیت؛ شاخص‌های ترجیحات فعالیت در جدول (۴) بر اساس فراوانی تکرار پاسخ زیاد و خیلی زیاد در ارائه شده است، چنانچه از اولویت‌بندی ترجیحات به دست می‌آید، وجود فرصت‌های شغلی با درآمد بالا، تشخص مکان و وجود زیرساخت‌های پیشرفته کسب‌وکار و فعالیت‌های نوین و منعطف بیشترین اهمیت را در انتخاب محل فعالیت داشته است. گزاره‌های به‌دست‌آمده به شرح زیر است:

- وجود فرصت‌های شغلی با درآمد بالا، تشخص مکان، وجود زیرساخت‌های پیشرفته کسب‌وکار، وجود شبکه‌های حرفه‌ای کاری، وجود فعالیت‌های منعطف و نوین از لحاظ زمانی، محیط‌های نوآور و خلاق و تشخص مکان از جمله معیارهای تأثیرگذار در انتخاب مکان فعالیت افراد خلاق در شهر تهران هستند.
- معیارهای مکانی فعالیت هم‌چون نزدیکی به زنجیره‌های تولید، تجمع شبکه‌ها و شرکت‌های همکار، هم‌جواری با کارفرما و بنگاه‌های خاص، نزدیکی به مواد اولیه و قرارگیری در راسته‌ها و خوشه‌های مرتبط که عمدتاً در زمره معیارهای کلاسیک مکانی فعالیت قرار دارند تأثیر متوسطی بر ترجیحات محل فعالیت افراد خلاق در شهر تهران دارد. به عبارتی در گزینش مکان فعالیتی طبقه خلاق معیارهای نوین‌تر به شرح گزاره پیش‌گفته اثرگذاری بالاتری دارند.

جدول ۴- نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی تأثیرگذاری معیارهای فعالیت در انتخاب مکانی افراد

Test value = 3							
upper	lower	اختلاف میانگین	مقدار احتمال	میانگین	درجه آزادی	t	شاخص‌ها
۱,۲۳	۰,۸۵	۱,۰۴۲	۰	۴,۰۴	۹۵	۱۰,۸۶۵	وجود فرصت‌های شغلی با درآمد بالا
۱,۱۲	۰,۷۳	۰,۹۲۷	۰	۳,۹۳	۹۵	۹,۴۱۲	تشخص مکان
۱,۰۳	۰,۶۴	۰,۸۳۳	۰	۳,۸۳	۹۵	۸,۴۲	وجود زیرساخت‌های پیشرفته کسب‌وکار
۰,۹۱	۰,۵۴	۰,۷۲۹	۰	۳,۷۳	۹۵	۷,۸۳۷	وجود فعالیت‌های منقطع و نوبن از لحاظ زمانی
۰,۹۴	۰,۵۲	۰,۷۲۹	۰	۳,۷۳	۹۵	۷	وجود محیط‌های نوآور و خلاق
۰,۹	۰,۴۷	۰,۶۸۸	۰	۳,۶۹	۹۵	۶,۳۵۸	وجود شبکه‌های حرفه‌ای کاری
۰,۸۸	۰,۴۶	۰,۶۶۷	۰	۳,۶۷	۹۵	۶,۲۶۳	نزدیکی به تقاضاهای خاص
۰,۷۷	۰,۳۹	۰,۵۸۳	۰	۳,۵۸	۹۵	۶,۱۰۲	پرداخت‌پذیری مکان
۰,۷۴	۰,۲۸	۰,۵۱	۰	۳,۵۱	۹۵	۴,۳۴۳	وجود فرصت‌های شغلی متنوع و خاص
۰,۴۸	۰,۰۸	۰,۲۸۱	۰,۰۰۶	۳,۲۸	۹۵	۲,۸۰۹	قرارگیری در راسته‌ها و خوشه‌های مرتبط
۰,۵۱	۰,۰۳	۰,۲۷۱	۰,۰۲۸	۳,۲۷	۹۵	۲,۲۲۶	نزدیکی به مواد اولیه
۰,۴۷	۰,۰۵	۰,۲۶	۰,۰۱۸	۳,۲۶	۹۵	۲,۴۱	هم‌جواری با کارفرما و بنگاه‌های خاص
۰,۴۴	۰,۰۶	۰,۵	۰,۰۱	۳,۲۵	۹۵	۲,۶۳۷	تجمع شرکت‌ها و شبکه‌های همکار
۰,۳۷	-۰,۰۶	۰,۱۵۶	۰,۱۵۶	۳,۱۶	۹۵	۱,۴۳۱	نزدیکی به زنجیره‌های تولید

ترجیحات فضایی طبقه خلاق برای ارتباطات؛ شاخص‌های ترجیحات ارتباطات در جدول (۵) بر اساس فراوانی تکرار پاسخ زیاد و خیلی زیاد ارائه شده است، چنانچه از اولویت‌بندی معیارها به دست می‌آید، دسترسی و نزدیکی به شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی بیشترین اهمیت را در انتخاب محل سکونت و فعالیت داشته است. سایر معیارها همچون ایمنی شبکه حمل‌ونقل عمومی و محدودیت‌های ترافیکی در محدوده سکونت و یا فعالیت تأثیرگذاری متوسطی بر انتخاب افراد داشته‌اند.

جدول ۵- نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی تأثیرگذاری معیارهای ارتباطات در انتخاب مکانی افراد

Test value=3							
upper	lower	اختلاف میانگین	مقدار احتمال	میانگین	درجه آزادی	t	شاخص‌ها
۱,۰۳	۰,۵۲	۰,۸۰۲	۰	۳,۸	۹۵	۷,۱۳۵	نزدیکی به شبکه حمل‌ونقل عمومی در انتخاب محل فعالیت
۱	۰,۵۲	۰,۷۶	۰	۳,۷۶	۹۵	۶,۳۸۲	نزدیکی به شبکه حمل‌ونقل عمومی در انتخاب محل سکونت
۰,۶۹	۰,۳۱	۰,۵	۰	۳,۵	۹۵	۵,۱۴۹	مد و الگوی ارجح ارتباطی
۰,۶۳	۰,۲	۰,۴۱۷	۰	۳,۴۲	۹۵	۳,۸۰۵	دسترسی به شبکه حمل‌ونقل عمومی در محدوده سکونت
۰,۵۹	۰,۰۹	۰,۳۴۴	۰,۰۰۷	۳,۳۴	۹۵	۲,۷۳۹	محدودیت‌های ترافیکی در محدوده فعالیت
۰,۵۳	۰,۱۴	۰,۳۳۳	۰,۰۰۱	۳,۳۳	۹۵	۳,۴۰۶	ایمنی شبکه حمل‌ونقل عمومی در محدوده سکونت

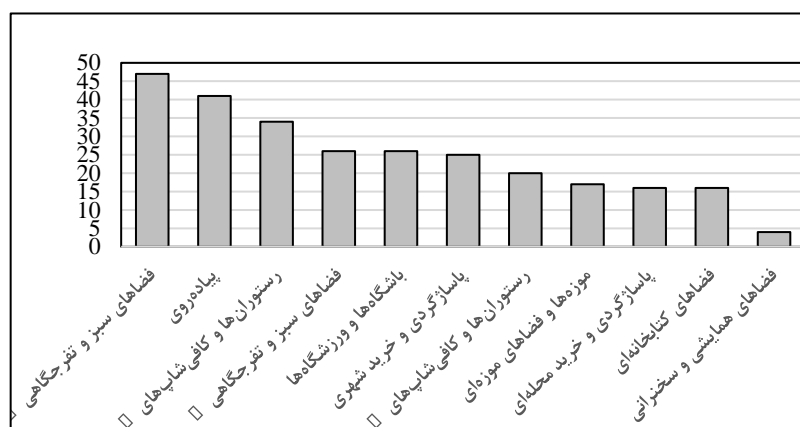
۰,۵۱	۰,۰۹	۰,۳۰۲	۰,۰۰۵	۳,۳	۹۵	۲,۸۸۱	دسترسی به شبکه حمل و نقل عمومی در محدوده فعالیت
۰,۵۱	۰,۰۹	۰,۳۰۲	۰,۰۰۵	۳,۳	۹۵	۲,۸۸۱	ایمنی شبکه حمل و نقل عمومی در محدوده فعالیت
۰,۴۶	-۰,۰۴	۰,۲۰۸	۰,۱۰۳	۳,۲۱	۹۵	۱,۶۴۸	محدودیت‌های ترافیکی در محدوده سکونت

- ترجیحات فضایی طبقه خلاق برای فراغت؛ شاخص‌های ترجیحات فراغت و تفریحات در جدول (۶)، بر اساس فراوانی تکرار پاسخ زیاد و خیلی زیاد آورده شده است، چنانچه از اولویت‌بندی معیارها به دست می‌آید:
- معیار وجود فضاهای طبیعی و آسایشی و تشخیص و شهرت فضا، فضاهای خلوت‌گزین و نیز دسترسی به امکانات ویژه از مهم‌ترین معیارهای طبقه خلاق در انتخاب فضای فراغتی به شمار می‌رود.
 - در این میان، معیار حضور توده‌های مردم با مقدار $t = ۰/۳۷۰$ - و احتمال خطای $۰,۷۱۲$ که بالاتر از $۰,۰۵$ است و عدم معناداری رابطه را می‌رساند تأثیری بر انتخاب محل فراغت افراد خلاق در شهر تهران ندارد.

جدول ۶- نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی تأثیرگذاری معیارهای فراغت در انتخاب مکانی افراد

Test value= 3							شاخص‌ها
upper	lower	اختلاف میانگین	مقدار احتمال	میانگین	درجه آزادی	t	
۱,۱۷	۰,۸۱	۰,۹۹	۰	۳,۹۹	۹۵	۱۰,۹۱۳	وجود فضاهای طبیعی، آسایشی
۱,۰۷	۰,۴۷	۰,۷۷۱	۰	۳,۷۷	۹۵	۵,۱۶۷	تشخص و شهرت فضا
۰,۶۲	۰,۲۲	۰,۳۱۳	۰	۳,۴۲	۹۵	۴,۱۱۹	فضاهای خلوت‌گزین
۰,۵۹	۰,۱۸	۰,۳۸۵	۰	۳,۳۹	۹۵	۳,۶۶۷	دسترسی به امکانات ویژه تفریحی فراغتی
۰,۵۱	۰,۱۲	۰,۳۱۳	۰,۰۰۲	۳,۳۱	۹۵	۳,۲۰۶	تنوع تفریحات و فضاهای گذران فراغت
۰,۴۱	۰,۰۳	۰,۲۱۹	۰,۰۲۴	۳,۲۲	۹۵	۲,۳۰۱	امنیت عمومی فضاهای فراغتی
۰,۲۴	-۰,۲۴	۰	۱	۳	۹۵	۰	فرصت‌های متنوع و منحصر به فرد خرید
۰,۱۸	-۰,۲۷	-۰,۰۴۲	۰,۷۱۲	۲,۹۶	۹۵	-۰,۳۷۰	حضور توده‌های مردم

همچنین نوع تفریحات و فضاهای گذران اوقات فراغت طبقه خلاق در شهر تهران نیز مورد پرسش قرار گرفته است که نتایج آن در شکل (۵) ارائه شده است.



شکل ۵- نوع تفریحات و فضاهای فراغتی مورد ترجیح طبقه خلاق شهر تهران

بر این اساس، فضاهای سبز و تفرجگاهی و پیاده‌راه‌های شهری تأثیر به‌سزایی در انتخاب نوع تفریح و فضای گذران اوقات فراغت افراد دارد و پس از آن کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌های شهری برای تعامل و ملاقات با دوستان و نزدیکان در اولویت‌های بعدی قرار دارد. علاوه بر موارد پیش‌گفته تفریحات آبی، رفتن به سینما و تئاتر، گالری‌های هنری، کنسرت، کوه‌نوردی و گشت‌وگذار در نواحی پیرامونی شهر همچون دماوند و لواسان برای تفریح و یا ورزش نیز از جمله تفریحات موردعلاقه این گروه به‌شمار می‌رود.

گام سوم، گونه‌شناسی طبقه شهر تهران و طبقه‌بندی ترجیحات فضایی ایشان؛ باتوجه به وجود تفاوت در ترجیحات فضایی طبقه خلاق امکان گروه‌بندی آن‌ها و تشخیص گونه‌های مختلف ترجیح نیز میسر است. بر این اساس، پژوهش پیش رو کوشیده است طبقه خلاق را به شیوه سناریونگاری و برحسب ویژگی‌ها و ترجیحات ایشان گونه‌شناسی کرده و به تفکیک این تفاوت‌ها احکام راهبردی ویژه توسعه فضایی شهر را درجهت جذب و نگهداشت طبقه خلاق ارائه کند. نرم‌افزار سناریو ویزارد برای انجام محاسبات پیچیده سناریونگاری طراحی شده است. تکنیک تحلیل این نرم‌افزار به CIB یا تحلیل اثرات متقاطع معروف است و هدف آن بهینه‌سازی سناریوها و قابل‌اطمینان کردن آن‌ها است (طاهری و نادری ۱۳۹۳؛ به نقل از دیتون و وینگریک، ۲۰۰۱). از آنجایی که ساختار پایه تحلیل CIB با برداشتن گام‌هایی شکل می‌گیرد، لزوم توجه به گام‌ها و اعمال آن در هر مرحله از اجرای نرم‌افزار ضروری است. بر این اساس، نخست فهرستی از مهم‌ترین عوامل (توصیف‌کننده) سیستم تهیه و سپس برای هر یک از عوامل حالات بدیل تعیین می‌شود. سپس در مرحله بعد به داوری درباره وابستگی متقابل بین عوامل (توصیف‌کننده) سیستم پرداخته می‌شود که این امر در انتها منجر به تشکیل یک شبکه اثرگذاری خواهد شد. در مرحله بعد به پردازش سناریوهای سازگار از طریق الگوریتم CIB اقدام شده و این سناریو توازن سیستمی آثار شبکه از جمله آثار مستقیم و حالت‌های معقول آینده را منعکس می‌کند. در مرحله آخر به ارزیابی نتایج پرداخته و درباره توصیه‌های ارائه شده تحلیل‌هایی صورت می‌گیرد.

نقطه شروع تحلیل CIB، شناسایی مجموعه متغیرهایی است که سیستم را توصیف می‌کنند. برای تیپ‌بندی ترجیحات فضایی طبقه خلاق و گروه‌های شغلی خلاق، ۵ توصیف‌کننده در نظر گرفته شد: سکونت و کالبد، فعالیت، ارتباطات، فراغت و گروه‌های شغلی. برای هر یک از توصیف‌گرها حالات بدیلی به شرح جدول (۷) بر اساس نتایج پرسش‌نامه قابل‌شناسایی و طبقه‌بندی است.

جدول ۷- حالات بدیل توصیف‌گرهای ترجیحات فضایی طبقه خلاق شهر تهران و سناریوهای خروجی نرم‌افزار

توصیف‌گرها	گروه شغلی	سکونت و کالبد	فعالیت	ارتباطات	فراغت
توصیف‌گرها (۵): سکونت و کالبد	- صنایع بازار ویژه دانشی - خدمات بازار ویژه دانشی - خدمات بازار ویژه هنری فرهنگی	- تصویر خوب محله - آرامش موجود در فضا و - - نزدیکی به محیط طبیعی - کیفیت مسکن و دسترسی به مسکن - دسترسی به امکانات و زیرساخت‌ها	- محیط نوآور و خلاق - فعالیت‌های منعطف و نوین از لحاظ زمانی - وجود شبکه‌های حرفه‌ای کاری - هم‌جواری با زنجیره‌های تولید و نزدیکی به تقاضاهای خاص	- موقعیت جغرافیایی - نزدیکی به شبکه‌های بزرگراهی - دسترسی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی - ایمنی شبکه حمل‌ونقل عمومی	- تنوع امکانات تفریحی - وجود فضاهای طبیعی و آسایشی - فرصت‌های متنوع خرید - مقیاس و شهرت فضا

شکل ۶- سناریوهای نهایی برآمده از نرم افزار سناریوویزارد

سپس، بر اساس نتایج پرسش نامه، روابط میان حالات بدیل توصیف گرها با یکدیگر به روش تحلیل اثرات متقاطع امتیازدهی و تعیین شد. در نهایت از ترکیب این متغیرها تعدادی سناریو به دست آمد که از آن میان تنها سناریوهای سازگار، که نمایانگر گونه شناسی طبقات خلاق تهران برحسب ترجیحات فضایی هستند، انتخاب می شوند. از میان سناریوهای سازگار نیز ۴ سناریو، که هر یک معرف یکی از تیپ های شخصیتی طبقه خلاق تهران با ویژگی ها و ترجیحات فضایی متفاوت است، با بیش ترین سازگاری و امتیاز اثر به شرح جدول (۸) و شکل (۶) انتخاب و گزینش شدند. سناریونگاری از طریق گونه بندی طبقات خلاق امکان برآوردهای متناسب برنامه ریزانه برای تأمین نیازهای متفاوت و متنوع فضایی این افراد را فراهم می سازد. در این راستا، هدف نهایی پژوهش حاضر پیشنهاد احکام راهبردی توسعه فضایی بر اساس چهار طرح واره مربوط به تیپ های شخصیتی خلاق است. دستاوردهای اقتصادی و نوآورانه طبقه خلاق بر رشد و توسعه و نیز رقابت پذیری شهری، ضرورت توجه به این طبقه و ارائه راهکار و برنامه ریزی در راستای حفظ، جذب و نگهداشت این طبقه را آشکار می سازد. بر این اساس، در ادامه احکام راهبردی توسعه فضایی در جهت حفظ، جذب و نگهداشت طبقه خلاق در سطح کلان شهر تهران بر اساس طرح واره ترسیم شده برای هر یک از گروه ها ارائه شده است. همچنین در قالب ایدئوگرام هایی کوشیده شده است ترجیحات فضایی ایشان به صورت مکانی نیز نمایش داده شود.

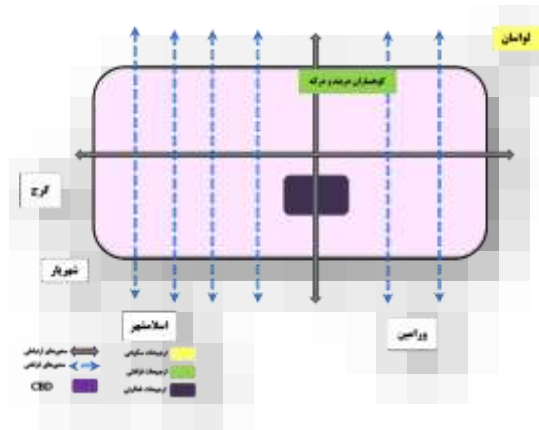
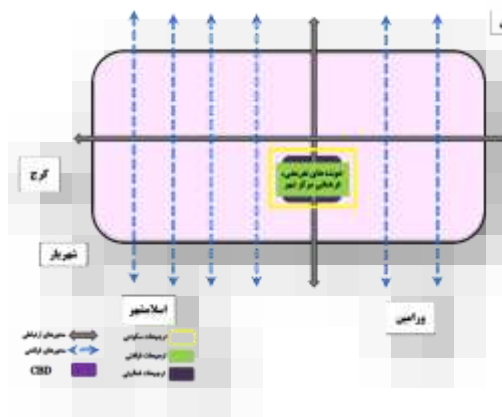
جدول ۸- گونه شناسی/تیپ بندی طبقه خلاق شهر تهران برحسب ویژگی ها و ترجیحات فضایی

تیپ های شغلی	ترجیحات فضایی				تیپ /گونه طبقه خلاق
	فراغت	ارتباطات	فعالیت	سکونت و کالبد	
خدمات بازار ویژه هنری - فرهنگی	وجود فضاهای طبیعی و آسایشی	دسترسی و نزدیکی به ایستگاه های حمل و نقل عمومی	هم جواری با زنجیره های تولید و نزدیکی به تقاضاهای خاص	آرامش موجود در فضا، نزدیکی به محیط طبیعی و دوری از آلودگی	طبقه خلاق طبیعت گرا
صنایع بازار ویژه دانشی	تشخص و شهرت فضا	نزدیکی به بزرگراه	فعالیت های منعطف	تصویر خوب محله	طبقه خلاق شهرگرا
خدمات بازار ویژه دانشی	تنوع امکانات تفریحی	موقعیت جغرافیایی	محیط نوآور و خلاق	کیفیت و دسترسی به مسکن	طبقه خلاق دانشی
خدمات بازار ویژه هنری - فرهنگی	تنوع امکانات تفریحی	حمل و نقل عمومی	شبکه های حرفه ای کاری	کیفیت و دسترسی به مسکن	طبقه خلاق هنری

پیشنهادها

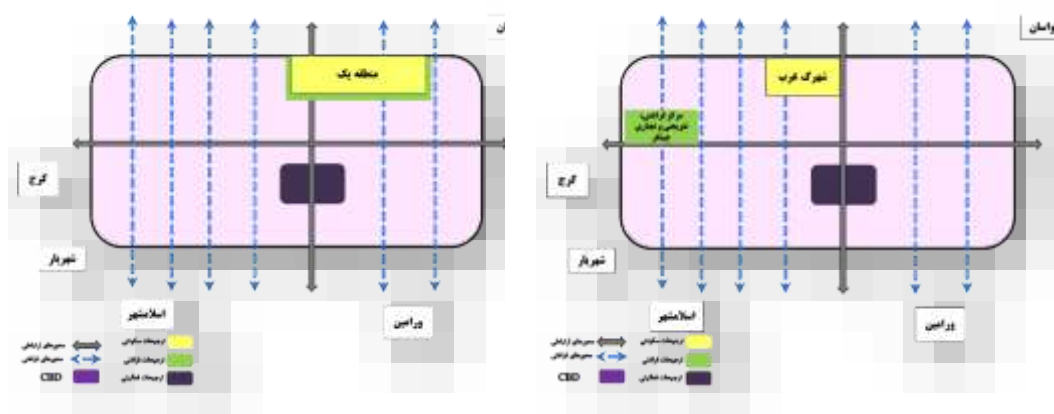
در جدول (۹) راهکارهای فضایی جذب و نگهداشت این طبقه ها به شرح زیر تلخیص و ارائه شده است.

- راهکارهای فضایی ویژه جذب و نگهداشت تیپ ۱ طبقه خلاق شهر تهران؛ نخستین تیپ شناسایی شده طبقه خلاق طبیعت‌گرا نام‌گذاری شده است، که بیش‌تر در زمینه خدمات بازاریابانه هنری - فرهنگی اشتغال دارند. این گروه عمدتاً در مشاغل هنری و فرهنگی و تولید هنری فعالیت دارند. برای دوری از آلودگی و ازدحام، نزدیکی به محیط طبیعی و برخورداری از آرامش موجود در فضاهای طبیعی، این گروه برای سکونت و فعالیت لواسانات و نیز برای فراغت نواحی طبیعی و کوهسارانی چون دربند و درکه را ترجیح می‌دهند (شکل ۷).
- راهکارهای فضایی ویژه جذب و نگهداشت تیپ ۲ طبقه خلاق شهر تهران؛ دومین تیپ خلاق شناسایی شده طبقه خلاق شهرگرا نام‌گذاری شده است. این گروه عمدتاً در صنایع بازاریابانه دانشی فعالیت دارند. از لحاظ فضایی مرکز شهر به دلیل نزدیکی به محل کار، تنوع فرهنگی و دسترسی راحت به امکانات موردنیاز برای این گروه از جذابیت ویژه‌ای برخوردار است (شکل ۸).
- راهکارهای فضایی ویژه جذب و نگهداشت تیپ ۳ طبقه خلاق شهر تهران؛ سومین تیپ خلاق شناسایی شده در زمینه خدمات بازاریابانه دانشی فعالیت دارند. اما در تفاوت با گروه پیشین تمایلی به سکونت و فعالیت در مراکز شهر ندارند و به عبارتی شهر گریز هستند. نوآوری و محیط‌های خلاق و پویا از مهم‌ترین ترجیح فضایی این گروه به شمار می‌رود. فعالیت و سکونت در محله شهرک غرب به دلیل ظرفیت مدارا و تحمل و تصویر خوب محله و نیز فراغت در مراکز مدرن طبیعی و مصنوعی مانند مراکز فراغتی منطقه ۲۲ از جمله ترجیحات مکانی این گروه تلقی می‌شود (شکل ۹).
- راهکارهای فضایی ویژه جذب و نگهداشت تیپ ۴ طبقه خلاق شهر تهران؛ چهارمین تیپ خلاق شناسایی شده در زمینه خدمات خلاق و هنری فعالیت دارند. ایشان برای فعالیت فراغت و سکونت عمدتاً منطقه یک تهران را که دارای اشتها فضایی متفاوتی است ترجیح می‌دهند (شکل ۱۰).



شکل ۸- طرح‌واره فضایی مربوط به تیپ ۲ طبقه خلاق

شکل ۷- طرح‌واره فضایی مربوط به تیپ ۱ طبقه خلاق



شکل ۹- طرح‌واره فضایی مربوط به تیپ ۳ طبقه خلاق شکل ۱۰- طرح‌واره فضایی مربوط به تیپ ۴ طبقه خلاق

جدول ۹- راهکارهای فضایی مربوط به جذب و نگهداشت تیپ‌های مختلف طبقه خلاق در شهر تهران

تیپ ۴: هنری	تیپ ۳: دانشی	تیپ ۲: شهرگرا	تیپ ۱: طبیعت‌گرا	راهکار فضایی جذب و نگهداشت	مقوله فضایی
■	■	■	■	افزایش پیوند طبیعت و تلفیق مناظر طبیعی در نواحی سکونت‌ی (شبکه سبزره‌ها، رویکرد مزارع شهری و...)	سکونت و کالبد
■	■	■	■	کمینه کردن آلودگی‌های محیطی و تأکید بر رهیافت‌های پایداری	
■			■	هم‌جواری و هم‌مکانی محل کار و سکونت	
■			■	تقویت راسته‌ها و خوشه‌های خلاق هنری	
	■	■		هویت‌بخشی و ارتقاء و بهبود تصویر و آوازه‌های محله‌های مسکونی	
■	■			ارائه مسکن قابل استطاعت در محدوده ترجیحات طبقه خلاق	
■	■	■	■	تقویت و ارتقاء زیرساخت‌های خدماتی محله‌ها	فعالیت
■	■	■	■	پشتیبانی از محیط‌های خلاق و نوآور کسب‌وکار	
■	■	■	■	تقویت و شکل‌دهی به راسته‌ها و خوشه‌های خلاق فعالیتی	
■	■	■	■	ترویج و آموزش عمومی خلاقیت و فرهنگ نوآوری و ایجاد شبکه‌های خلاقیت	
■		■	■	تقویت و ایجاد نواحی بهبود کسب‌وکار (BID) با تأکید بر نواحی مرکزی - تاریخی	
■	■	■	■	حمایت و ترویج مراکز رشد و تسهیل‌گران فعالیت‌های خلاق	فراغت
■	■	■	■	تقویت قطب‌های پژوهشی دانشگاهی در پهنه‌های مرکزی شهر	
			■	احیا و بازآفرینی فراغتی رود دره‌ها	
■			■	حفظ و تقویت مناظر استراتژیک و نشانه‌های جالب‌توجه طبیعی و یا مصنوعی	
■	■	■	■	تأمین فضاهای عمومی همه‌شمول و مشارکتی	

				تعاملات اجتماعی، هنری - فرهنگی	
		■		بازآفرینی فراغتی محدوده‌های مرکزی - تاریخی شهرها	
		■		تقویت زندگی و حیات شبانه	
■		■		توسعه مراکز فراغتی شهری پیاده رهوار	
■		■		ارتقای کیفیت، سرزندگی و زیبایی فضاهای عمومی شهر	
■	■			ایجاد فضاهای فراغتی خاص و ویژه	
■			■	رویدادپذیری فضاهای فراغتی	
■			■	پیاده‌رهواری و توسعه پیاده‌مدار	
■	■	■	■	تأکید بر توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی (حول ایستگاه‌های مترو)	ارتباطات
		■		دسترسی‌پذیری نواحی مرکزی شهر	

نتیجه‌گیری

طبقه خلاق و بهره‌گیری از نقش این طبقه خاص در رشد و توسعه اقتصادی شهرها از جمله مباحث جدید در حوزه مطالعات شهری است که امروزه و با توجه به چالش‌های پیش روی شهرها در نتیجه جهانی‌شدن مورد تأکید قرار گرفته است. بیش‌تر متونی که در زمینه‌های خلاقیت و نخبگان خلاق به نگارش درآمده‌اند، علاوه بر نقش خلاقیت و طبقه خلاق در رشد شهر، به این نکته نیز تأکید دارند که این طبقه از افراد ترجیحات فضایی - مکانی به خصوصی دارند که در صورت توجه به آن‌ها و در نظر گرفتن این ترجیحات در برنامه‌ریزی‌های شهری، این خلاقیت تبدیل به نیروی محرکه رشد و توسعه شهرها و مناطق خواهد شد. این افراد خلاق هسته موفقیت شهر می‌شوند به گونه‌ای که ایجاد، جذب و حفظ این افراد در شهر موجب ساخت و شکوفایی اقتصادی و توسعه بر پایه ایجاد مشاغل خلاقانه و حرفه‌های جدید می‌شود. توسعه و رشد اقتصادی مستلزم تقویت و بسط صنایع خلاق است زیرا این صنایع مزایای اقتصادی مستقیمی برای شهرها به همراه دارند. به این معنا که این صنایع شغل تولید می‌کنند، سرمایه‌گذاران را به این مکان جذب کرده و منجر به شکوفایی اقتصاد محلی می‌شوند که در نتیجه نیروی کار حرفه‌ای به این مکان جذب می‌شوند.

در پژوهش حاضر به تبیین نقش طبقه خلاق در رشد و توسعه کلان‌شهر تهران با استفاده از آمار و ارقام موجود و بهره‌گیری از نرم‌افزارهایی تحلیلی پرداخته شده است. بحث شناسایی ترجیحات فضایی طبقه خلاق در شهر تهران، برای نخستین بار در کشور به کمک پرسش‌نامه و در چهار عرصه سکونت و کالبد، فعالیت، ارتباطات و فراغت صورت گرفته است و یافته‌های پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. با کمک نرم‌افزار SPSS به تحلیل پاسخ‌ها پرداخته شده است و عوامل تأثیرگذار بر تصمیم مکانی افراد خلاق شناسایی شده است. در بررسی‌های انجام شده در بین معیارهای مورد مطالعه در عرصه سکونت و کالبد، دسترسی به امکانات رفاهی، کیفیت مسکن، آلودگی و ازدحام کمتر، آرامش موجود در فضا، تصویر خوب محله، آب‌وهوا و خرد اقلیم و امنیت با میانگینی بالاتر از سایر کیفیت‌ها تأثیر بسزایی در انتخاب محل سکونت افراد خلاق در شهر تهران دارند. وجود فرصت‌های شغلی با درآمد بالا، وجود زیرساخت‌های پیشرفته کسب‌وکار، وجود شبکه‌های حرفه‌ای کاری، وجود فعالیت‌های منعطف و نوین از لحاظ زمانی، محیط‌های نوآور و خلاق و تشخیص مکان از جمله معیارهای تأثیرگذار در انتخاب مکان فعالیت افراد خلاق در شهر تهران هستند. نزدیکی دسترسی به شبکه حمل‌ونقل عمومی از میان سایر معیارهای ارتباطات بیشترین تأثیر را در انتخاب وسیله ارتباط در بین افراد خلاق در شهر تهران دارد و از میان معیارهای سازنده عرصه فراغت، انتخاب فضاهای گذران اوقات فراغت، معیار وجود فضاهای طبیعی و آسایشی و تشخیص و شهرت فضا تأثیر بسزایی در انتخاب مکانی افراد خلاق در شهر تهران دارد.

و به نوعی ترجیحات فضایی آن‌ها تا حدود زیادی به عوامل مالی و شغل افراد بستگی دارد و انتخاب‌های آنان را تحت تأثیر می‌گذارد.

نوآوری پژوهش پیش رو، در قیاس با نمونه‌های مشابه داخلی، شناسایی ترجیحات فضایی خلاقیت از دیدگاه طبقه خلاق به شیوه تحلیل ذهنی است. در حالی که در نمونه‌های مشابه داخلی بیش‌تر به موضوع شهر خلاق، و نه نیروی انسانی خلاق، از منظر عینیت‌ها پرداخته شده است. همچنین لحاظ کردن تفاوت میان ترجیحات فضایی گروه‌های مختلف خلاق و نیز کوشش در تشخیص این نیازها، که با نیازهای برشمرده شده در متون و انتشارات بین‌المللی متفاوت است از دیگر جنبه‌های متمایزکننده این پژوهش به شمار می‌رود.

References:

- آرشیان، آناهیتا؛ استادی، مریم (۱۳۹۵). *جذب طبقه خلاق در فضای شهری با استفاده از هنر عمومی تعاملی*. دومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری محیط زیست و مدیریت شهری. مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- اشتری، حسن؛ مهدنژاد، حافظ (۱۳۹۱). *شهر خلاق، طبقه خلاق*. تهران: تیسرا.
- حسن‌پور، حسین؛ توکلی، هانیه (۱۳۹۲). *بررسی معیارهای شهر خلاق با تأکید بر توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: پیروانشهر)*. نخستین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار. تهران.
- دادپور، سارا (۱۳۹۰). *جذب طبقه خلاق در تهران به کمک طراحی شهری*. صفحه، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۵۱-۶۶.
- یوسفی، رشید؛ پیلهور، علی اصغر؛ احمدی، محمد؛ هاشمی، اصغر (۱۳۹۳). *شهر خلاق الگویی برای توسعه پایدار شهری*. چهارمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری. اصفهان: مؤسسه آموزش عالی دانش‌پژوهان.
- صرافی، مظفر؛ قورچی، مرتضی؛ محمدی، علیرضا (۱۳۸۸). *جهانی شدن، شهرهای جهانی و کلان‌شهر تهران (نقدی بر دیدگاه نایجل هریس)*. اقتصاد شهر، ۳، صص ۸۹-۹۷.
- شریفیان، فریدون (۱۳۸۷). *نوع‌شناسی و فرآیند طراحی و اجرای پژوهش ترکیبی*. فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، صص ۷۵-۱۰۳.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). بازیابی از www.amar.org.ir.
- جهانگیری، مصطفی؛ سلیمانی، علیرضا (۱۳۹۴). *ارزیابی شاخص‌های خلاقیت در شهر تهران، موردشناسی: منطقه ۲۲ تهران*. اولین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ایران. تهران: انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- نظری‌زنگنه، فرهاد؛ جعفری مهرآبادی، مریم؛ داودی، محمود (۱۳۹۶). *ترجیحات سکونت طبقه خلاق؛ مروری بر مطالعات*. اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی، رشت: دانشگاه دولتی گیلان.

- Alfken, C., Broekel, T., Sternberg, R (2013). *Factors Explaining the Spatial Agglomeration of the Creative Class: Empirical Evidence for German Artists*. European Planning Studies, 23(12) .
- Atkinson, R., Easthope, H (2009). *The Consequences of the Creative Class: The Pursuit of Creativity Strategies in Australia's Cities*. International Journal of Urban and Regional Research, 33, pp. 64-79.
- Bereitschaft, B (2016). *Do Creative and Non Creative Workers exhibit similar preferences for urban Amenities? An Exploratory Case Study of Omaha, Nebraska*. Urbanism: International Research on Placemaking and Sustainability, pp. 1- 19.
- Biernacki, P., Waldorf, D (1981). *SnowBall Sampling*. SocioLogical Methods and Research, 10(2), pp. 141-163.
- Bontje, M., Mustard, S (2009). *Creative Industries, Creative Class and Competitiveness: Expert Opinions*.
- Boren, T., Young, C (2013). *The Migration Dynamics of the "Creative Class": Evidence from a study of Artists in Stockholm, Sweden*. Annals of the Association of American Geographers, 1 (103), pp.195- 210.
- Florida, R (2002). *The Rise of the Creative Class*. New York: Basic Books.
- Florida, R (2005). *Cities and the Creative Class*. New York: Routledge.
- Florida, R (2005). *The Flight of the Creative Class*. HarperCollins, New York (NY).
- Florida, R (2013. January 30). *More Losers than Winners in America's New Economic Geography*.
- Heerden, S.V., Bontje, M (2014). *What about Culture for the Ordinary Workforce? A Study on the Locational Preferences of the Creative Class in Prenlauer Berg, Berlin*.
- Landry C (2008). *The Creative City. A toolkit for urban innovators*. 2nd edition. Narodowe Centrum Kultury, Warszawa.
- Leeuwen, B. V (2007). *Human Capital and Economic Growth in India, Indonesia and Japan: a Quantitative Analysis. 1890- 2000*. Netherlands: google books.
- Likert, R (1932). *A Technique for Measurement of Attitudes*. Archive of Psychology, pp. 5-55.
- Lucas, R (1988). *On the Mechanics of Economic Development*. 22.
- Markusen, A (2006). *Urban Development and the Politics of a Creative Class: Evidence from a Study of Artists*. Environment and Planning, 38(10), pp. 1921-1940.
- Romer, P (1994). *The Origins of Endogenous Growth*. The Journal of Economic Perspectives, 8(1), pp. 3-22.
- Scott, A (2000). *The Cultural Economy of Cities: Essays on the Geography of Image-Producing Industries*. SAGE.
- Scott, A.J (2000). *The Cultural Economy of Cities: essays on the Geography of image-producing industries*. London: sage.
- Suwala, L (2012). *The Geography of Creativity*. Regional Studies, 46(8), pp. 1103-1105.

- Throsby, D (1994). *The Production and Consumption of the Arts: A View of Cultural Economics*. Journal of Economic Literature, XXXII, pp. 1-29.
- Throsby, D (2008). *The Concentric Circles Model of the Cultural Industries*. Cultural Trends, 17(3) , pp. 147-64.
- Tornqvist, G (2012). *The Geography of Creativity*. UK: Edward Elgar Pub.